

# همراه

دوره جدید - شماره پنجاه و هشتم  
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا - سه شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴

## شکوه دروازه دشت

روایتی از تاریخ، نخبگی ها، ایثارگری ها و  
مفاخر محله بابلدشت

به همراه گفت و گوهایی با

**نخبگان، ایثارگران و فعالان محله:**

ناصر جدیدی (استاد تاریخ)، خانم مهرانی

(خواهر شهید عبدالجواد مهرانی)

حسین شیخ سجادیه (پزشک)

حسین غزالی اصفهانی (موسسه تحقیقات

رایانه ای قائمیه اصفهان)

احسان عرب (فرمانده پایگاه بسیج حضرت

صاحب الزمان عج)

سید محمد رضا هاشم زاده (امام جماعت

مسجد صاحب الزمان عج)،

احمد صدیقی (هنرمند قلمزنی)

محسن اشراقی (گوهرتراش و خوشنویس)

گفت و گو با مهدی سلطان آقایی

مدیر منطقه ۷ درباره اقدامات شهرداری

در منطقه و مطالبات و پرسش های ساکنان

محله بابلدشت ۱۳ و ۱۴ و ۱۵





زینب دبیری

# محله‌ای هم مسیر باکریلا

## گشت‌وگذار و صحبت با مردم محله بابلدشت

محله بابلدشت یکی از مناطق بسیار قدیمی اصفهان است که در نزدیکی محله دردشت قرار گرفته. این محله بخشی از محله قدیمی‌تر به نام خواجگون است. بسیاری از اهالی اصفهان این محله را به قیرآقا و مدرس ابن سینا می‌شناسند که از آثار تاریخی دوران آل بویه در اصفهان است. در منابع تاریخی گفته شده که ابن سینا، فیلسوف و پزشک ایرانی، مدتی را در اینجا ساکن بوده و در این شهر به تدریس پرداخته است.

محل تدریس ابن دانشمند همین مدرس است که در محله بابلدشت اصفهان قرار گرفته و بسیاری از مردم اصفهان اینجا را به نام ابن سینا می‌شناسند. این محله در نزدیکی خیابان گلزار، پوریای ولی و بهمن قرار گرفته است.

نزدیکی‌های ظهر است که از سمت خیابان ابن سینا وارد محله می‌شوم. کوچه‌های پیچ‌درپیچ و مغازه‌های قدیمی همگی حکایت از قدمت بسیار زیاد این محله دارند. وارد لیبیات‌فروشی معروف محله بابلدشت می‌شوم و سراغ قدیمی‌ترین ساکن محله را می‌گیرم. از پشت دحل بیرون می‌آید و خودش را یکی از قدیمی‌ترین کسبه محله معرفی می‌کند که نزدیک به ۵۰ سال است در اینجا مغازه دارد.

### قیرآقا؛ امام جمعه معروف محله بابلدشت

از او در رابطه با مقبره‌ای که در محله بابلدشت قرار دارد می‌پرسم؛ می‌گوید: «این مقبره متعلق به یکی از امام‌جمعه‌های قدیمی محله است که در زمان وفات، در ملک شخصی خودش به خاک سپرده می‌شود.» به اطراف امامزاده اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «در نزدیکی امامزاده یک بازارچه بود که مغازه‌های مختلفی مانند نانوايي، بقايي و همچنين مغازه فروش وسايل موردنياز دام و همچنين مغازه آسیابان‌ها قرار داشت که مردم محل از آن‌ها خرید می‌کردند؛ اما قبل از انقلاب این بازار تخریب شد و دیگر اثری از آن باقی نمانده است.»

### باغی به نام صفی‌میرزا

این کسبه قدیمی محله بابلدشت در پاسخ



او از گذشته‌های محله و کدخدای اینجا تعریف می‌کند و می‌افزاید: «اینجا هم مانند دیگر محله‌های شهر کدخدا داشت که کارهای مردم را اداره می‌کرد. این هنرستان روبه‌رو هم قبرستان بود که پس از تخریب در زمین آنجا یک مدرسه ابتدایی به نام راغب ساختند و بعدها هنرستان شد و حالا بدون استفاده مانده است.»

### داستان دو یخچال قدیمی محله بابلدشت

پورعابدین به انتهای کوچه اشاره می‌کند و می‌گوید: «سه جوی آب آخر این کوچه بود که در آنجا آب جریان داشت و فقط یکی از آن‌ها مانده است. آن طرف‌تر هم دو یخچال با دیوارهای بلند بود که زمستان‌ها آب را آنجا می‌بردند و روی آن پوشال می‌ریختند تا یخ بزند و تابستان‌ها از آن‌ها برای بستنی‌سازی استفاده می‌کردند.»

این کاسب قدیمی محل به چهارراه ابن سینا اشاره می‌کند و می‌گوید: «سر چهارراه یک غسالخانه بود که در آن مردگان را غسل

### مادی پرآبی به نام فدن

او به مادی خشک محله اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مادی سالیان سال پر از آب بود و عامل اصلی آبادانی محله محسوب می‌شد. آب آن از همین جا به سمت خیابان پوریای ولی می‌رفت و بخش دیگری به سمت سودان و دزنهايت بخشی متعلق به خابجونی‌ها بود.»

او ادامه می‌دهد: «برخلاف محله‌های دیگر شهر اصفهان، بیشتر ساکنان اینجا بومی هستند و اصالت اصفهانی دارند. تعداد زیادی از ساکنان اینجا یا فامیل هستند یا ارتباط خانوادگی نزدیکی باهم دارند و بیشتر آن‌ها یکدیگر را می‌شناسند.»

### راه کربلا و عبور از محله بابلدشت

علی پورعابدین، یکی دیگر از کسبه قدیمی محله است که حدود ۷۰ سال در این محله نجاری می‌کند. او در رابطه با گذشته محله می‌گوید: «اینجا رونق بسیار زیادی داشت و مسیر عبور کاروان‌ها بود که قصد سفر به کربلا را داشتند.»

سؤالم در رابطه با علت نام‌گذاری محله به نام بابلدشت، می‌گوید: «علت اصلی نام‌گذاری آن را نمی‌دانم؛ اما به خاطر دارم اینجا جوی آبی بود که به باغ صفی میرزا وارد می‌شد. بعدها این جوی آب هم به نام همان صفی‌میرزا معروف شد. شاید علت نام‌گذاری اینجا این بود که این خیابان به سمت این باغ می‌رسید.»

### محله‌ای با باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی فراوان

او در ارتباط با شغل مردم محله در گذشته می‌گوید: «تمام محلی‌های اینجا یا کاسب بودند یا کشاورز؛ بنابراین بیشتر مایحتاج روزمره را خودشان تهیه می‌کردند و کمتر از بازار خرید می‌کردند.»

این کسبه قدیمی محله بابلدشت به زمین روبه‌روی مغازه‌اش اشاره می‌کند و می‌افزاید: «این زمین روبه‌رو که دیوارکشی شده است، محل آسیاب قدیمی محله بوده. کشاورزان گندم و جو خود را به اینجا می‌آوردند و آرد می‌کردند.»



می‌گوید: «صفا میرزا از ساکنان قدیمی این محله بود که وضع مالی بسیار خوبی داشت. در همین کوچه باغ بزرگی بود که آب مادی هم از داخل آن عبور می‌کرد. بعدها این کوچه به نام او معرفی شد.»

**محله‌ای با خانه‌های قدیمی بسیار**  
زارعی در رابطه با خانه‌های قدیمی محله می‌گوید: «اینجا خانه‌های قدیمی بسیار زیبایی داشت که بیشتر آن‌ها خشت‌وگلی و پنج‌دری بودند. یک حیاط بسیار بزرگ و دورتادور آن اتاق‌های بسیار زیادی بود. یادم هست در خانه‌ای که ما زندگی می‌کردیم یک تنور نانوايي داشتیم. همان جا نان می‌پختیم. آن روزها حدود پنج خانوار باهم در یک خانه بودیم و زندگی خوب و شادی داشتیم.» او به زمین‌های اطراف اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «تمام این زمین‌ها باغ بود و تا سر شمس‌آباد و کاوه خیری از خانه نبود.» از زارعی درباره قدمت قبراآقا می‌پرسیم؛ می‌گوید: «قبراآقا محل دفن امام جمعه معروف محله بوده است؛ در واقع محلی که قبراآقا قرار دارد در گذشته یک قبرستان بزرگ بود. بعدها در زمین‌های آن بیمارستان، مدرسه و حتی شرکت واحد اتوبوس‌رانی ساختند.» او درباره محصولات کشاورزی محله بابلدشت می‌گوید: «آن روزها آب فراوانی بود و کشاورزان همه نوع میوه، به‌ویژه هندوانه و خربزه، جو و گندم و... می‌کاشتند و زندگی خوبی داشتند.»



بابلدشت است. از او در رابطه با محله خوابجونی‌ها می‌پرسیم؛ می‌گوید: «سمت پوریای ولی فعلی یک صحرا قرار داشت که متعلق به خوابجونی‌ها بود. آن روزها خیابان باهنر نبود و به جای آن، کوچه‌های تنگ و به هم فشرده بود. بعدها که خواستند خیابان را باز کنند، بسیاری از خانه‌ها را خراب کردند و خیابان‌های فعلی را ساختند.» او ادامه می‌دهد: «اینجا تمام روستا بود و تعداد زیادی از خوابجونی‌ها کشاورز بودند؛ تعدادی از آن‌ها تا ۲۰ سال پیش هم کشاورزی می‌کردند؛ اما حالانته زمینی هست و نه آبی که بتوان دوباره در آن کشاورزی کرد.» از او درباره کوچه صفا میرزا می‌پرسیم؛

این طرف بود. یادم هست حتی با قاطر از اینجا بار جابه‌جا می‌کردند و به شهرها و روستاهای اطراف می‌بردند.» پورعابدین به مادی فدن اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مادی در محله بابلدشت قرار داشت و از اینجا سه قسمت می‌شد: یک قسمت به سمت سودان می‌رفت؛ دیگری، به نزدیکی‌های خوابجون و آخری، به سر فلکه معروف که نزدیکی‌های طوقچی است می‌رسید.»

**خیابان پوریای ولی و محله‌ای به نام خوابجونی‌ها**  
مرتضی زارعی، یکی دیگر از ساکنان محله

می‌داند؛ یک قبرستان هم بود به نام احمدیه که هنوز وجود دارد و محلی‌ها اموات خود را دفن می‌کنند.»

### کشتارگاهی که در خارج شهر قرار داشت

پورعابدین به خیابان مدرس اشاره می‌کند و می‌گوید: «اینجا خیابان دور شهر بود. آن روزها طوقچی و خیابان مصلوا وجود نداشت. اول این خیابان کشتارگاه بود. هر روز صبح دام‌ها را می‌بردند و ذبح می‌کردند.» او از خاطره‌های گذشته و زمان ساخت حرم زینبیه می‌گوید: «آن زمان من کوچک بودم. یادم هست زمانی که می‌خواستند زینبیه را بسازند، مردم آجر روی سرشان قرار می‌دادند و برای ساخت حرم به سمت خیابان زینبیه می‌بردند. آن روزها خیابان ابن سینا نبود و فقط این خیابانی که در آن قرار داریم با همین شکل بود.»

از پورعابدین درباره کاسبان قدیمی محله می‌پرسیم؛ می‌گوید: «بیشتر کاسب‌ها بقال، آهنگر و پولکی‌ساز بودند؛ یک موزاییک‌سازی هم بود. اینجا یک بازارچه بود که از اینجا تا کوچه راغب ادامه داشت؛ در نزدیکی آن هم یک آسیاب و یک عصارخانه قرار داشت.» او به آن طرف خیابان اشاره می‌کند و می‌گوید: «در آنجا هم بازارچه بود. یک‌تکه آن سقف داشت و باقی بدون سقف بود. آن روزها راه اصلی عبورومرور به سمت تهران هم از

## محله‌ای سبز که امروز خشک است

### بیان مشکلات و کمبودهای محله بابلدشت از زبان مردم و کسبه محله

و سبزی‌فروشی و میوه‌فروشی. زردک و هویج، پیاز و چغندر هم می‌فروختند.» یک روزنامه قدیمی را که خبرنگاری با او مصاحبه کرده بود، نشانمان می‌دهد و می‌گوید که اهل خواندن روزنامه است. وقتی در کوچه‌های محله بابلدشت راه می‌روی، بیشترین چیزی که به چشم می‌آید، خانه‌های قدیمی و رهاشده است که از بیرون قفل شده‌اند. بافت فرسوده غالبی در محله دیده می‌شود که نیاز به تغییر دارد. یکی از معتمدان محله بابلدشت در خصوص برخی مشکلات محله می‌گوید: «کمبود مجموعه ورزشی برای جوانان و نداشتن یک سالن مطالعه مناسب و نیاز شدید به مجموعه‌های درمانگری جسمی و روحی درباره اعتیاد، از مهم‌ترین مشکلات و کمبودهای محله است.» او همچنین از کمبود شدید فضای سبز و مکانی برای استراحت افراد سالمند محله گلایه‌مند است و می‌گوید: «باآنکه مادی از میان این محله عبور کرده و در گذشته باغ‌های زیادی در این محدوده وجود داشته است، متأسفانه اکنون فضای سبز و پارک ندارد. ترافیک و کمبود پارکینگ در این محله یکی از مشکلات آن است. در این محله تقریباً هیچ تابلویی از معرفی محله نمی‌بینید و کمبود آلمان‌ها و امکانات شهری به وضوح دیده می‌شود.» گلوگاه‌ها و معابر تنگ و البته آسفالت بسیار نامناسب بعضی معابر هم مشکل دیگری بود که این ساکن محله بابلدشت به آن‌ها اشاره کرد.



بازارچه قدیمی محله بابلدشت بوده است و هنوز مغازه‌های قدیمی زیادی در این محله وجود دارند که از بقایای آن بازارچه قدیمی هستند. خیابان مدرس که خیابانی هم‌مرز با محله بابلدشت و دردشت است، روزی راه اصلی اصفهان بوده و مردم از این مسیر اصلی به نقاط دیگر، به‌ویژه کربلا، سفر می‌کردند. یک کفاش قدیمی که مشغول کفاشی بود، نظرم را جلب کرد. پشت میز چوبی نشسته و کفشی را که روی پایش گذاشته بود، با دقت می‌دوخت. نخ‌های رنگی آویزان به دیوار و کفش‌های بچه‌گانه قدیمی، حال‌وهوای خوبی به مغازه داده بود. آقای جمالی ۵۰ سال است کفاش بوده. از زمانی که بازارچه بوده، در این محله کاسبی می‌کرده است. می‌گوید: «اینجا پر بود از مغازه‌های مختلف. بقالی

آقای وزی خودش بچه‌محله دردشت، ولی مغازه‌دار محله بابلدشت است. یادش می‌آید که فلکه شهدا که نام قبلی‌اش چیز دیگری بوده، ساختارش همین بوده است. خیابان کاوه راه اصلی بوده است و خیابان ابن‌سینا وجود نداشته، به جایش راه باریکی تا یک باغ بزرگ که امروز بیمارستان امین جایش ساخته شده، بوده است.

در پیاده‌رو خیابان مدرس راه را ادامه می‌دهیم. مغازه‌های قدیمی و کسبه‌ای که سال‌ها در این محله مغازه داشته‌اند، زیاد هستند. در پیاده‌رو خیابان مدرس، تقریباً با بسیاری از آن‌ها می‌توانیم برخورد کنیم. در میانه خیابان مدرس به چهارراه بابلدشت می‌رسیم. وارد خیابان عباسی که دقیقاً از چهارراه بابلدشت به خیابان کاوه می‌رسد، می‌شویم. این خیابان

محله بابلدشت که روزگار پررونقی را در سالیان دور پشت سر گذاشته است، هنوز هم رونق دارد؛ اما با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. یکی از ویژگی‌های این محله کاسب‌های قدیمی آن است. از ابتدای خیابان مدرس که وارد محله می‌شویم، می‌توانیم مغازه‌های قدیمی را ببینیم که البته برخی از آن‌ها درگیر فرسودگی و تخریب شده‌اند. در همان ابتدای خیابان مدرس، یک مغازه تعمیر ساعت قدیمی نظرم را جلب می‌کند. وقتی وارد مغازه می‌شویم، ساعت‌های قدیمی که کمتر دیگر می‌توان آن‌ها را جایی پیدا کرد، روی دیوار مغازه نصب شده‌اند. دکه روبه‌روی صاحب مغازه قدیمی بوده و پر از وسایلی است که برای تعمیر ساعت استفاده می‌شود. صاحب مغازه با روی باز از ما استقبال می‌کند. آقای وزی نزدیک ۵۰ سال است مغازه تعمیر ساعت دارد. سال‌ها، ساعت‌ها را تعمیر می‌کرده است؛ ولی حالا فقط می‌آید مغازه که روزگار بگذراند؛ دیگر دل‌ودماغ این کارها را ندارد.

پشت سرش یک قالب از ساعت‌های قدیمی به دیوار آویزان است، ساعت‌هایی که مشتری آورده است و نیامده ببرد. ساعت‌های تعمیری امانت مانده پیشش. می‌گوید: «طبق دستور اسلام یک سال باید امانت را نگه داریم و بعد بفروشیم؛ اما ما هنوز نفروختیم. همین مسئله باعث شده است کمتر تعمیر ساعت را قبول کنم؛ چون نمی‌توانم امانت‌دار باشم.»



زهره‌سادات کاظمی



میره فهامی

# پر شکوه از نفس افتاده

گزارشی از سر قبر آقا در محله بابلدشت اصفهان



ابتدای شرقی خیابان کاوه و در ضلع شمالی کوچه‌ای در کنار پایانه بابلدشت، بنایی آرام و کم‌صدا در میان هیاهوی شهر سر برآورده است؛ مقبره‌ای که روزگاری در شمار آبادترین و باشکوه‌ترین بناهای این محدوده بوده و امروز نشانی از شکوه کهن را در دل فرسودگی پنهان کرده است. اینجا «سر قبر آقا» است؛ آرامگاهی متعلق به خانواده امام جمعه که تاریخ آن به دوره قاجار بازمی‌گردد و در دل خود گنجینه‌ای کم‌نظیر از هنرهای تزیینی اصفهان را جای داده است. برای رسیدن به بقعه باید از میان سرای مسجدی عبور کرد که بعدها در جوار آن ساخته شده است. در ضلع شرقی میان‌سرا، فضای مسجد قرار دارد که به نام هیئت احمدیه نیز شناخته می‌شود. در جبهه‌های غربی و جنوبی، حجره‌هایی دیده می‌شود. در میانه این حیاط، بقعه‌ای چهارگوش با گنبدی آجری قد برافراشته است که نگاه هر رهگذری را به خود جلب می‌کند؛ گنبدی که از دور ساده به نظر می‌رسد، اما درونش جهانی از ظرافت و درخشش نهفته است. ورود به فضای زیر گنبد، گویی گشودن دری به گذشته‌ای آکنده از هنر است. فضای داخلی، طرحی صلیبی شکل با چهار صغه دارد که ازاره‌های گچی آن با مقرنس‌های سه‌بعدی درآمیخته‌اند. نقاشی‌های ظریف در دل گچ‌بری‌ها و آینه‌کاری‌های معرق در حاشیه طاقچه‌ها، نور را به بازی می‌گیرند و هر زاویه را به تابوویی درخشان بدل می‌کنند.

پوشش صفاها و شاه‌نشین‌های چهارسوی فضای مرکزی را لنگه‌طاق‌های گهواره‌ای و قوس‌های جناغی بر دوش کشیده‌اند و در مرکز، گنبدی یک‌پوسته و کروی شکل بر فراز همه چیز قرار گرفته است.

در زیر گنبد، مقرنس‌های پتکانه، آویزها و قندیل‌های آینه‌کاری‌شده، با قطعات ریزودرشت آینه، فضایی سرشار از تلالؤ و درخشش پدید آورده‌اند؛ تا تابش پرتوهای خورشید از چهار گوشه بالای کتیبه، نور همچون هاله‌ای از رأس گنبد تا سطح مزارها فرومی‌ریزد و سنگ‌های مرمر را روشن می‌سازد. گرداگرد زیرگنبد، کتیبه‌ای گچ‌بری‌شده با خط ثلث، سوره جمعه را در برگرفته و همچون نواری معنوی، فضای آرامگاه را در آغوش کشیده است.

در میانه فضا، سکویی سنگی با قبور متصل به هم از سنگ مرمر قرار دارد. مزار حاج میرزا حسن امام جمعه خاتون‌آبادی، از عالمان نامدار سده سیزدهم قمری، در مرکز این مجموعه جای گرفته و در کنار او فرزندش و دیگر اعضای خاندان امام جمعه آرمیده‌اند؛ یکی از مریدان این عالم بزرگ نیز در همین مکان به خاک سپرده شده است.

برخی قبور بر سکویی مربعی شکل با ارتفاعی حدود یک متر قرار دارند و برخی دیگر هم‌تراز با کف صفاها هستند. از جمله مدفونان داخل این بقعه را می‌توان آقامیرمحمد مهدی و حاج میرزا هاشم امام جمعه نام برد. در شاه‌نشین جنوبی، سنگ‌قبری مجلل مربوط به قبر حاج کریم، ولد حاج محمدعلی است؛ در قسمت پایین نیز سنگ‌نوشته یکی از مردمان آن عهد که قلیانی

بوده است. در گوشه‌ای دیگر، قبر غلامعلی خوشنویس با ردیفی از آجر پوشانده شده است و اندکی آن‌سوتر، آرامگاه شاعری شوخ طبع به نام مرحوم صادق ملارجب که عمر خود را به زهد و قناعت گذراند، در سکوت آرمیده است.

این مجموعه، گذشته از ارزش معماری، لایه‌ای از تاریخ فرهنگی و ادبی شهر را نیز در خود حفظ کرده است.

اما آنچه بیش از همه، چشم را می‌نوازد، مقرنس‌کاری بی‌همتای بناست؛ آرایه‌ای که در میان آثار اصفهان نمونه‌ای همانند برایش

در دست دارد و کلاه پوستی معمول آن زمان بر سر اوست، دیده می‌شود که ظاهراً تصویرش از ناظرها و پیشخدمت‌های امام جمعه قدیم بوده است. پشت بقعه و در ایوانچه‌ها و صحن اطراف نیز سنگ‌قبرهای متعددی پراکنده است؛ از جمله سنگ مرمی با اشعار نستعلیق که یادگاری از ضیاء، شاعر خوشنویس و معروف اصفهانی است. اشعار او در تکیه مادر شاهزاده و آقا حسین خوانساری؛ از تکیه‌های تخت فولاد اصفهان دیده و معلوم می‌شود او از خطاطان و ماده‌تاریخ‌نویسان معروف اواسط قرن سیزدهم

نمی‌توان یافت. ترکیب آینه‌کاری، نقاشی در دل گچ‌بری‌ها و قندیل‌های سفید و فیروزه‌ای رنگ سقف، این آرامگاه را به یکی از جلوه‌های شگفت‌انگیز معماری اسلامی شهر بدل کرده است؛ جلوه‌ای که زبان در وصف تمام ظرایفش ناتوان می‌ماند.

صعود به پشت‌بام، از راه‌پله‌ای آجری و ماریچج با پله‌های مثلثی و شیبی تند، تجربه‌ای دیگر از این بنا را آشکار می‌کند. تاریکی راه‌پله ناگهان به روشنای بام می‌رسد و گنبد آجری از نزدیک رخ می‌نماید؛ ساده، استوار و خوش‌تناسب. بام با آجرهای خشتی پوشیده شده است و فاصله اندک آن با ساختمان‌های جدید اطراف، همنشینی معماری سنتی و ساخت‌وساز صنعتی را به نمایش می‌گذارد؛ تقابلی خاموش میان گذشته و اکنون.

مقبره سر قبر آقا با همه زخم‌هایی که بر تن دارد، هنوز آینه‌ای از شکوه هنر قاجاری در اصفهان است؛ جایی که نور، آینه، گچ و خط در هم تنیده‌اند تا خاطره‌ای از ایمان، هنر و تاریخ این شهر را زنده نگه دارند.

حالا هیئت‌های مختلف علاوه بر عزاداری دهه محرم در این مکان، صبح‌های جمعه نیز اینجا برنامه ختم قرآن دارند و ساعتی به خواندن قرآن و مداحی می‌پردازند؛ در ساعتی از روز نیز خانم‌ها برای زیارت قبور به اینجا می‌آیند.

اینجا یادآور روزگاری است که مسافران عازم مشهد و کربلا را در حجره‌های خود جای می‌داد و همین امر سبب شد امام جمعه وصیت کند او را اینجا دفن کنند.

حالا روی دیوار رد نوشتن یادگاری‌های این دوران طولانی به خط نستعلیق دیده می‌شود؛ نوشته‌هایی که از سینه‌های مختلف روی دیوار نقش بسته و برای حفظ و نگهداری‌اش روی آن، با شیشه پوشانده شده است.

در پایان باید گفت که هرچند کارهایی تا به حال برای حفظ این بنا صورت گرفته ولی برای حفظ کامل این بناکوشش و همت بیشتری نیاز است.





زهره سادات طالقانی

# محله‌ای که نامش را اشتباه می‌خوانند

روایت ناصر جدیدی، استاد تاریخ، از محله بابلدشت

نیازهای نسل جدید سنجیده می‌شود، روی دیگر خود را نشان می‌دهد. جدیدی صریح می‌گوید: «واقعیت این است که بسیاری از جوان‌ها از محله رفته‌اند. نه به خاطر دسترسی یا امکانات اولیه؛ از نظر موقعیت شهری، بابلدشت عالی است؛ مسئله، کمبود فضاهای فرهنگی و رفاهی است.» او معتقد است که محله به یک فرهنگ‌سرای چندمنظوره نیاز دارد؛ جایی با سالن مطالعه برای دانشجویان، امکانات ورزشی برای نوجوانان و فضایی امن و مستقل برای بانوان. «مراکز فعلی، بیشتر با رویکرد سنتی اداره می‌شوند. بعضی افراد با نگاه بسته، همچنان همان مدل قدیمی را حفظ کرده‌اند؛ مدلی که دیگر برای نوجوان و جوان امروز جذاب نیست.»

در کوچه‌هایی که هنوز بوی گذشته می‌دهد، خبری از یک مجموعه فرهنگی پویا یا یک فضای اجتماعی مدرن نیست؛ نه کتابخانه‌ای مجهز، نه پاتوقی رسمی برای گفت‌وگوی نسل‌ها. همین خلأ، آرام‌آرام پیوند جوانان با محله را سست کرده است. انگار بابلدشت در حفظ گذشته موفق بوده، اما برای آینده برنامه‌ای نداشته است.

## دلتنگی برای کوچه‌ای که هنوز نفس می‌کشد

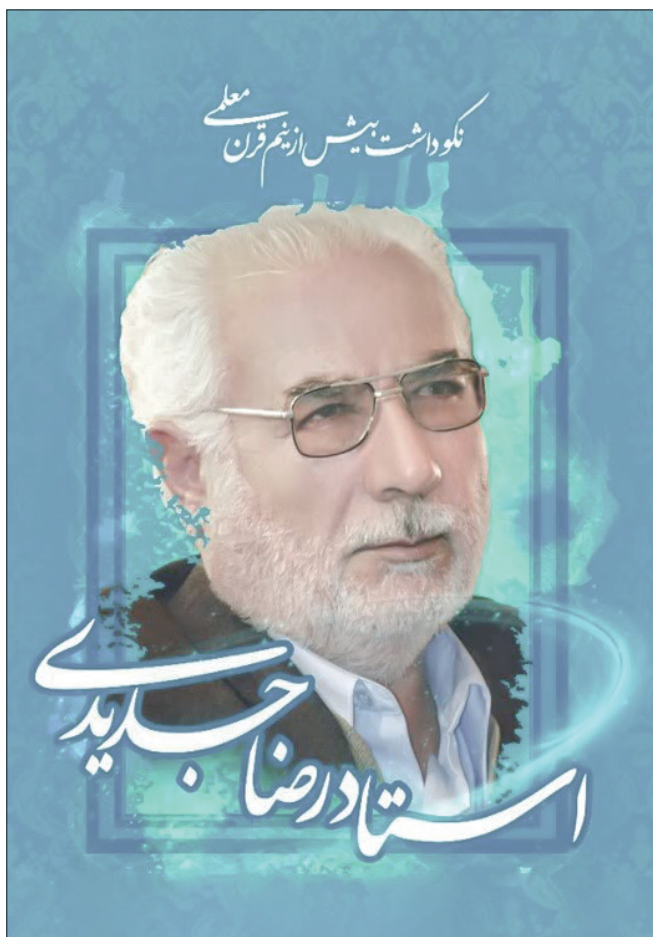
جدیدی حالا بیش از ۱۰ سال است که در محله دیگری زندگی می‌کند؛ اما وقتی از بابلدشت می‌گوید، فاصله جغرافیایی بی‌معنا می‌شود. «صمیمی‌ترین دوستانم، خاطره‌های کودکی‌ام، همه آنجاست. فضای آپارتمانی هیچ‌وقت نتوانست جای آن روابط صمیمی همسایگی را بگیرد.»

در صدایش می‌شود دلتنگی را شنید؛ دلتنگی برای کوچه‌ای که هر رهگذری را می‌شناخت، برای درهایی که بی‌واسطه باز می‌شد، برای عصری که بچه‌ها تا تازیک شدن هوا بازی می‌کردند و مادرها از پشت بام‌ها صدایشان می‌زدند. بابلدشت امروز در نقطه‌ای حساس ایستاده است؛ محله‌ای با ریشه‌های عمیق تاریخی و مذهبی؛ اما با نیازهای انباشته نسل جدید. اگر مدیران شهری به این صدا گوش ندهند، شاید فردا دیگر از آن حس تعلق جمعی، تنها خاطره‌ای باقی بماند.

جدیدی، در پایان گفت‌وگو، با نگاهی که انگار از میان همان کوچه‌های قدیمی می‌گذرد، زمزمه می‌کند:

«ای که از کوچه معشوقه ما می‌گذری  
برحذر باش که سر می‌شکنند دیوارش...»

بیتی که بیش از آنکه هشدار باشد، اعترافی است به عمق دل بستگی؛ به محله‌ای که هنوز، با همه کمبودهایش، در دل ساکنان قدیمی‌اش نفس می‌کشد.



در میانه هیاهوی مرکز اصفهان، جایی میان خیابان شهید مدرس قدیم و پیچ‌وخم‌های خیابان رضا عباسی، هنوز کوچه‌هایی نفس می‌کشند که رَد سال‌ها زندگی را می‌شود بر پیشانی ساختمان‌های قدیمی و تناسب آرام بافتش دید؛ محله‌ای که هرچند نوسازی را تجربه کرده، اما ریتم آهسته و هویت تاریخی‌اش را حفظ کرده است. اینجا «بابلدشت» است؛ محله‌ای که نامش، به گفته دکتر ناصر جدیدی، خودش روایتی از یک سوءتفاهم قدیمی است.

ناصر جدیدی فرزند حاج رضا جدیدی، مدیر اسبق ستاد اقامه نماز استان اصفهان است.

حاج رضا جدیدی تحصیلات ابتدایی را در الیگودرز گذراند و پس از طی تحصیلات دوران متوسطه در همان شهر، بلافاصله در ۱۳۴۴ در دانشگاه تهران و دانش‌سرای عالی پذیرفته شد؛ سپس در دبیرستان ادب، از دبیرستان‌های بنام اصفهان، در سمت دبیر و معاون مشغول خدمت شد.

فعالیت‌های انقلابی و تلاش‌های او در جهت آموزش و تربیت نسل نو در این دوره، فوق‌العاده اثربخش بود؛ آن‌چنان‌که خاطره‌های دلنشینی از گفتار و رفتار این معلم و مدیر برجسته در خاطر همکاران فرهنگی و دانش‌آموزان آن دوران نقش بسته است.

او از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶، به ترتیب به‌عنوان رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۴ اصفهان، مدیرکل آموزش و پرورش استان مرکزی و مدیرکل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری خدمت کرد و در ۱۳۷۶ به افتخار بازنشستگی نائل شد. حاج رضا جدیدی از پیش‌کسوتان و مدیران کاروان‌های حج بود و سال‌ها افتخار خدمت صادقانه به زائران بیت‌الله‌الحرام و عتبات‌عالیات را در کارنامه زندگی خویش به یادگار گذاشت. او در طول این سالیان آثار و تألیف‌هایی را به رشته تحریر درآورده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مختصری از تاریخ مسیحیت، زندگی امیرکبیر، ریشه‌های انقلاب اسلامی، سفرنامه حج، جلوه‌های نماز در شعر فارسی، آوای بندگی و خاطرات ۶۰ سال معلمی، اشاره کرد.

حاج رضا جدیدی در ۱۵ آبان ۱۳۹۹ دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.

## بابلدشت: خاطره‌ای که هنوز نفس می‌کشد

دکتر ناصر جدیدی که امروز دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد و متولد محله بابلدشت اصفهان است، وقتی از بابلدشت حرف می‌زند، صدایش رنگ دیگری می‌گیرد؛ رنگ دل بستگی. می‌گوید: «ما از سال ۵۳ تا ۵۴ آنجا ساکن

بودیم. هنوز هم خیلی‌ها، حتی بعضی مسئولان، نام محله را اشتباه می‌نویسند یا تلفظ می‌کنند. اسم درستش بابلدشت است؛ یعنی دروازه دشت. اما در گفتار عامیانه، الف و لامش خوانده می‌شود و کم‌کم به شکل‌های نادرست جا افتاده است.»

او مکتبی می‌کند و ادامه می‌دهد: «این منطقه در واقع ورودی محله دردشت است؛ همان محدوده‌ای که بین خیابان مدرس و ابن‌سینا قرار می‌گیرد. برای شهری با پیشینه تاریخی اصفهان، چنین اشتباهی درباره نام یک محله قدیمی، کم‌اهمیت نیست.»

## محله‌ای با صدای آب و بوی خاک

بابلدشت از جنوب به باغچی میرزا و تیران و آهنگران می‌رسد و از شمال به محله قدیمی خوابجان یا همان خواجو. روزگاری نه‌چندان دور، مادی‌ها در رگ‌های این محله جاری بودند و زمین‌های زراعی بخشی از هویت آن را شکل می‌دادند. دکتر جدیدی با لبخند می‌گوید: «هنوز هم بعضی خانواده‌ها کشاورزی می‌کنند. این یعنی حافظه زمین کاملاً پاک نشده است.»

در روایت او، بابلدشت فقط یک محدوده جغرافیایی نیست؛ شبکه‌ای از روابط انسانی است. او از همسایه‌هایی می‌گوید

## بافتی که مانده

### امکاناتی که نیامده

بابلدشت هنوز بافت سنتی خود را حفظ کرده است؛ خانه‌های کم‌طبقه، کوچه‌های باریک و روابط چهره‌به‌چهره. دسترسی به مرکز شهر، حمل‌ونقل مناسب و قیمت‌های نسبتاً متصفانه، آن را به محله‌ای قابل‌زیست تبدیل کرده است؛ اما همین بافت سنتی، وقتی با



مثیره فهامی

# به همه کتاب هدیه می داد

روایتی از شهید عبدالجواد مهرانی از زبان خواهرش

کوچه‌های قدیمی بابلدشت بوی خاطره می‌دهند؛ بوی روزهایی که مردانگی از همین خانه‌های ساده قد کشید و به آسمان رسید. در ابتدای یکی از همین کوچه‌ها، تابلویی سفیدرنگ نگاهم را می‌دزد: «شهید عبدالجواد مهرانی»؛ نامی که بر پیشانی کوچه نشسته و بی‌صدا از رهگذران می‌خواهد لحظه‌ای مکث کنند، سربلند کنند و به یاد بیاورند که اینجا روزی جوانی زندگی می‌کرده که از همین کوچه تا بی‌کرانگی پر کشیده است.

قدم در کوچه می‌گذارم. دیوارها انگار هنوز صدای خنده‌های جوانی را در خود نگه داشته‌اند. سراغ خانه شهید را از اهالی می‌گیرم. هر کس نشانی را با احترام می‌دهد، با مکتی کوتاه و نگاهی که نشان می‌دهد این نام هنوز برایشان زنده است. می‌گویند پدر شهید، حاج محمدعلی مهرانی، هنوز در همین کوچه زندگی می‌کند؛ در همان خانه‌ای که عبدالجواد در آن قد کشید، بزرگ شد و مرد شد. پدر، سال‌هاست بار دل‌تنگی را به دوش می‌کشد. گوش‌هایش دیگر مثل گذشته بی‌ارای شنیدن ندارد؛ صدایم را به سختی می‌شنود و کلمات میان ما گم می‌شوند. نگاهش اما روشن است؛ نگاهی که انگار هزار ناگفته در آن موج می‌زند. به‌جای پدر از خواهر شهید، خانم مهرانی می‌خواهم تا از برادر شهیدش برایم بگوید؛ خواهری که پنج سال از عبدالجواد کوچک‌تر است و حالا روایتگر خاطرات برادری شده که سایه‌اش هنوز بر دیوارهای این خانه جاری است. از کودکی‌ها می‌گوید، از زیرکی‌ها و مهربانی‌ها، از روزهایی که باهم بزرگ شدند. گاهی مکث می‌کند؛ انگار خاطره‌ای در گوشه ذهنش جامانده باشد. رو به پدر می‌کند و می‌پرسد: «بابا، یادتان هست...؟» و پدر، باهمان شنوایی کم‌جان اما حافظه‌ای سرشار از تصویر، جمله‌ای کوتاه می‌گوید تا رشته خاطره دوباره به هم وصل شود.

در این خانه، زمان ایستاده است؛ میان قاب عکس‌ها، میان سکوت پدری که کمتر می‌شنود؛ اما خوب به یاد دارد و خواهری که هرچه در خاطر دارد یکی یکی روایت می‌کند.

## از کودکی بسیار مؤدب بود

نامش عبدالجواد بود؛ ولی در خانه جواد صدایش می‌کردیم. او فرزند دوم خانواده بود و بیست و پنجم فروردین سال ۱۳۳۷ به دنیا آمد. پدرمان کارمند اداره مخابرات بود و مادرم خانم حجازی و نوه آیت‌الله حاج سید فضل‌الله حجازی.

از کودکی بسیار مؤدب بود و به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاشت. در مساجد و مجالس مذهبی و دسته‌های سینهنه‌زی سیدالشهدا (ع) شرکت می‌کرد.

## در هنرستان فنی، دیپلم برق گرفت

او از شش‌سالگی به دبستان رفت و تحصیلات

ابتدایی را با موفقیت به پایان رساند. بعد از گرفتن سیکل به کلاس اول متوسطه رفت. (نام مدرسه را از پدر می‌پرسد و پدر با گرمای کلامش جواب می‌دهد: دبیرستان سعدی درس خواند و در هنرستان فنی شماره ۲ در رشته برق ادامه داد.) او خیلی درس خوان بود و با موفقیت و نمرات عالی توانست دیپلمش را بگیرد.

## دبیری فنی خواند و به معلمی مشغول شد

برای ادامه تحصیل کنکور داد و با وجود استعداد و توان خوبی که داشت و می‌توانست در رشته‌های بالاتری قبول شود؛ ولی به خاطر علاقه به رشته‌های فنی، برای دبیری فنی و حرفه‌ای در کنکور سراسری شرکت کرد و در همین رشته فارغ‌التحصیل و به شغل معلمی مشغول شد.

## بیشتر مشکلات را با روحیه شوخ‌طبعی اش حل می‌کرد

خیلی مهربان و شوخ‌طبع بود و بیشتر مشکلات را با همین روحیه‌اش پشت سر می‌گذاشت. دلش نمی‌آمد اشک کسی را ببیند؛ وقتی من از چیزی ناراحت بودم سعی می‌کرد با شوخی و خنده من را آرام کند. علاقه زیادی به کتاب داشت و بیشتر هدیه‌هایی که به دیگران می‌داد کتاب بود. من هنوز تعدادی از کتاب‌هایی که برایم هدیه آورده بودم دارم. آن زمان کتاب‌هایی در کتابخانه مدارس بود که محتوای مناسبی نداشت؛ وقتی من کتابی را از مدرسه می‌گرفتم و می‌دید مناسب نیست، کتاب دیگری به من هدیه می‌کرد و می‌گفت این کتاب را به جای آن بخوان. در مراسم عروسی خواهرم نیز در آخر

عروسی، به همه مهمان‌ها کتاب هدیه داد.

## نقشه زیرکانه‌اش از اخراج شدن نجاتم داد

همیشه پشتیبانم بود و در مشکلات کمکم می‌کرد. مدرسه ما انتخاب شده بود که دانش‌آموزانش را برای یکی از جشن‌های آن زمان ببرد. محیط خوبی نداشت. پسر و دختر باید با هم به شکل گل می‌شدند و طرح‌های مختلفی می‌ساختند. عبدالجواد نگذاشت من بروم. مدیرمان گفته بود اگر کسی بدون دلیل موجه نیاید، از مدرسه اخراج می‌شود و در پرونده‌اش مهر اخراج می‌خورد.

خودم هم نمی‌خواستم بروم؛ ولی از اینکه اخراج شوم ناراحت و نگران بودم. بعد از یک ماه و نیم که مدرسه نرفتم، برادرم من و مادرم را به مطب یک دکتر برد. از قبل هماهنگ کرده بود که دکتر به من بگوید روماتیسم قلبی دارم و تا چند روز دیگر بیشتر زنده نیستم. همراه مادرم به مدرسه وقتی مدیر مدرسه پرسید چرا به مدرسه نیامدی، من که از همه‌جا بی‌خبر بودم زدم زیر گریه و گفتم مریض بودم و مادرم صحبت‌های دکتر را به مدیر گفتم. مدیر هم که حال و روز من را دید باورش شد

و گفت پیش برادر پزشکش بروم. خلاصه برادرش گفت تشخیص آن دکتر اشتباه بوده و من توانستم با این نقشه زیرکانه برادرم دوباره به مدرسه بروم و از اخراج شدن نجات پیدا کنم.

## مراقب حرف‌زدنش بود

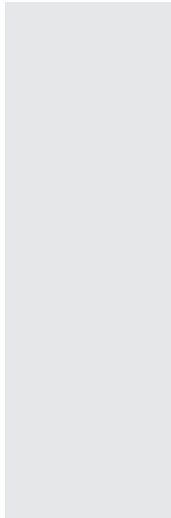
بسیار مراقب صحبت‌کردنش بود و اصلا اهل غیبت‌کردن و تهمت‌زدن نبود. در قسمتی از وصیت‌نامه‌اش هم نوشته بود که تا می‌توانی اصلا حرف نزن و روزه سکوت بگیر. نذر کن حرف نزن؛ مگر به قدر ضرورت، زیانت را کنترل کن؛ اگر رها کنی، به غیبت و تهمت، دروغ و تملق و امثالهم آلوده می‌شود. جلوی هوای نفس را باید بگیری که به هر راهی که می‌خواهد تو را نکشد و هر چه را می‌بینی نخواب و آرزوهای بیهوده نداشته باش.

همه چیز را برای خدا بخواب و هر کاری انجام می‌دهی برای خدا و به یاد خدا انجام بده که اگر به این صورت عمل کنی مسلما پیروز خواهی شد.

## نماز اول وقت برایش ملکه شده بود

او اهل نماز شب و عبادت‌های شبانه بود و





اکرم کیانی

او مدت کمی در جبهه بود و شهید شد. من این همه مدت در جبهه بودم و هنوز شهید نشده‌ام. مادرم اصرار می‌کرد ازدواج کند. به مادرم گفت که این بار هم در این عملیات شرکت می‌کنم. اگر سالم برگشتم و شهید نشدم ازدواج می‌کنم. مرحله سوم عملیات بیت المقدس بود که به جبهه رفت. عملیات که شروع شده بود، ساعت ۱۰:۳۰ بامداد با اصابت تیر دشمن به کتفش برای بار دیگر مجروح شده بود. او را به سنگر تانک برده بودند تا از آنجا به بیمارستان منتقلش کنند که خمپاره‌ای به شکم و سینه او اصابت کرده و در ساعت ۲:۱۵ دقیقه بامداد دوم خرداد سال ۱۳۶۱ به شهادت رسیده بود.

او در وصیت نامه‌اش نوشته بود: «از شما می‌خواهم سنگر مسجد و مدرسه را به هیچ وجه ترک نکنید. محکم و استوار همچون کوه استقامت کنید و در تربیت کردن خواهران و برادران کوشا باشید و به قول امام عزیزمان که فرموده تمام این کارها مقدمه انسان سازی است، شما هم تلاش کنید و جهاد اکبر را هرچه زودتر پشت سر بگذارید.»



قطع کنند. او در بیمارستان بانک ملی تهران بستری شد. با اینکه هنوز بهبودی کامل پیدا نکرده بود دوباره به جبهه بازگشت.

#### در مرحله سوم عملیات بیت المقدس به شهادت رسید

یکی از اقوامان به تازگی به شهادت رسیده بود. خیلی از شهادتش ناراحت شد و می‌گفت

**شد**  
 بعد از پیروزی انقلاب وارد بسیج شد و مسئولیت بسیج منطقه ۸ و ۴۸ مسجد زیر پوشش آن را بر عهده گرفت. با شروع جنگ از آموزش و پرورش استعفا داد و به جبهه رفت. اواخر سال ۱۳۶۰ بر اثر ترکش خمپاره به پهلو و شکمش، پزشکان مجبور شدند قسمتی از روده بزرگ و کوچکش را

زیاد روزه می‌گرفت. معمولاً روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه بود و نماز اول وقت برایش ملکه شده بود. او به جوانان و نوجوانان قرآن آموزش می‌داد و سبک نو و تازه‌ای در تدریسش داشت. کلاس‌های آموزشی عقیدتی و تقویتی نیز برای مقطع دبیرستان و راهنمایی راه‌اندازی کرد.

**به خاطر فعالیت‌های انقلابی زندانی شد**  
 قبل از انقلاب در مبارزه با رژیم شاهنشاهی بسیار فعال بود. او به همراه شهید محسن مهاجر، مواد انفجاری می‌ساختند و نیروهای مسلح رژیم را از پا انداخته بودند.

جواد به خاطر فعالیت‌های ضد رژیم شاهنشاهی به زندان افتاد. وقتی رئیس دادگاه نظامی از او خواسته بود تا تعهد دهد که دیگر علیه رژیم اقدامی نکند، او زیر بار نرفته و ماندن در زندان شهربانی را به آزادی با این تعهد ترجیح داده بود. در روزهای مانده به پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد.

**سال ۱۳۶۰ از ناحیه پهلو و شکم مجروح**

## سه دهه زندگی با گیاهان دارویی

### گفت‌وگو با حسین شیخ سجادیه، پزشک فعال طب سنتی

#### همراهی مدرک دانشگاهی در حوزه طب سنتی و تجربه کافی

شیخ سجادیه اظهار می‌کند: «در گذشته افراد علاقه‌مند به طب سنتی در حوزه علمیه، قانون بوعلی سینا را مطالعه می‌کردند و طبیب می‌شدند؛ ولی امروزه اخذ مدرک دانشگاهی در این حوزه بسیار مهم است و شرایط برای جوانان فراهم شده. جوانانی که علاقه‌مند به تحصیل در رشته طب سنتی هستند، باید بدانند برای موفقیت در این رشته، علاوه برداشتن علاقه و ذوق زیاد به یادگیری طب سنتی، باید در دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده طب سنتی، تحصیل کنند. باید دانش و اطلاعات کافی را کسب کرده و بعد از اخذ مدرک در این رشته، قانون بوعلی سینا و شیخ رازی را هم به خوبی مطالعه کنند. هنگام کار و فعالیت، پیوسته در حال آموزش و یادگیری مطالب از مکان‌های مختلف باشند تا بتوانند به‌طور رسمی در مطب به مردم خدمت کنند. جوانان علاقه‌مند به طب سنتی باید سعی کنند سطح اطلاعات خود را در این رشته افزایش دهند و داشتن دانش کافی و علاقه و ذوق افراد به این رشته تخصصی، موجب موفقیت آن‌ها خواهد شد.»

او در خصوص مشکلات محله و انتظار شهروندان از شهرداری برای کاهش مسائل محله می‌گوید: «معمولاً یکی از مشکلات این محله گودبرداری‌هایی است که توسط شهرداری منطقه انجام می‌گیرد و خیلی مواقع این گودبرداری‌ها رها شده و اقدامی برای پرکردن سریع گودال‌ها و آسفالت کوچه‌ها و خیابان انجام نمی‌گیرد. روزهای متوالی اهالی محله و خودروها برای تردد در محدوده‌هایی که گودبرداری شده، مشکل دارند و معمولاً خودروها دچار استهلاک می‌شوند. تقاضا داریم که شهرداری منطقه به این مسئله توجه کند تا روند آن در محله طولانی نشود و اقدام سریع برای پر کردن گودال‌ها داشته باشد تا سرشین‌های خودروها و اهالی محله برای تردد روزمره دچار چالش نشوند.»



درمان به تغذیه افراد بستگی دارد.»

این پزشک طب سنتی خاطر نشان می‌کند: «یعنی افراد زمانی که در سلامتی کامل هستند، باید به فکر تغذیه سالم و مناسب باشند. زمانی هم که بیمار می‌شوند باید به این موضوع توجه ویژه کرده و به اصول غذایی آگاه باشند و مزاج‌شناسی را هم بشناسند تا بتوانند به سلامتی کامل بازگشته و زندگی عادی داشته باشند. این اتفاق، موضوع بسیار مهمی است که بزرگان طب سنتی مانند شیخ رازی و شیخ بوعلی سینا به آن اشاره داشته‌اند و می‌گویند که "غذای ما دوی ماست و دوی ما غذای ماست؛ یعنی همین غذایی که اکنون ما می‌خوریم، دوی ماست. اگر این نکته را به خوبی بدانیم، می‌توانیم به سلامتی دست یابیم و از بیماری دور باشیم.»

او معتقد است که اگر کسی بخواهد در طب سنتی به خوبی به بیماران خدمت و موفق عمل کند، باید انواع غذاهای مناسب برای بیماران را بشناسد، اطلاعات قوی در این زمینه کسب کند، به مزاج‌شناسی بیماران آگاه باشد و بیماری را مراجعه‌کننده‌ها را به خوبی بشناسد تا بتواند در این زمینه بهترین دستور پزشکی را ارائه دهد.

ترکیب داروهای گیاهی، در این زمینه به فعالیت مشغول شدم و تقریباً سی سال می‌شود که در حوزه طب سنتی در حال فعالیت هستم و به بیماران ارائه خدمت می‌کنم.»

#### فعالیت در نقاط متفاوت اصفهان و ارائه خدمت به مردم

شیخ سجادیه متولد خیابان مدرس و ابن‌سینا است و بعد از انقلاب و زمانی که فارغ‌التحصیل شد، سال‌ها در محل زندگی‌اش مطب داشت و در نقاط مختلف اصفهان به مردم خدمت کرده است.

او عنوان می‌کند: «اگر یک پزشک حاذق در حوزه طب سنتی بخواهد بهترین درمان را به بیماران ارائه دهد، باید از مهارت‌ها و ویژگی‌های لازم برخوردار باشد. در حوزه طب سنتی بیشتر باید پزشک در زمینه تغذیه اطلاعات داشته باشد. در حال حاضر بیشتر بیماران که به مطب مراجعه می‌کنند، خواهان تجویز دارو هستند و به بنده می‌گویند که برای آن‌ها دارو بنویسم. به نظرم این روند صحیح نیست. اطلاعات پزشکان هم درباره دارو است و در زمان تحصیل در رشته پزشکی، بیشتر به ما استفاده از دارودرمانی را آموزش داده‌اند؛ این در حالی است که اصل

حسین شیخ سجادیه، متولد سال ۱۳۴۴، از اهالی محله بابلدشت و فارغ‌التحصیل رشته پزشکی از دانشگاه اصفهان است که پس از گذراندن دوره هفت‌ساله پزشکی عمومی به حوزه طب سنتی علاقه‌مند شد و سعی کرد در این زمینه اطلاعات لازم را به دست بیاورد و به فعالیت مداوم در این حرفه مشغول شده و تقریباً سی سال است که در حوزه طب سنتی در نقاط متفاوت اصفهان به آحاد مردم جامعه ارائه خدمت می‌کند.

#### اخذ مدرک پزشکی عمومی و علاقه‌مندی به طب سنتی

او درباره نحوه ورودش به فعالیت در حوزه طب سنتی به «هم‌محله» می‌گوید: «سال ۱۳۷۶ از دانشگاه علوم پزشکی با مدرک پزشکی عمومی، فارغ‌التحصیل شدم. در دوران تحصیل با مطالعه آثار خوبی در حوزه طب سنتی، به این حوزه علاقه‌مند شدم و سعی کردم در حرفه عطاری و با ترکیب داروهای گیاهی کسب تجربه کنم و با مطالعه زیاد در این زمینه، مطالب بیشتری یاد بگیرم. با توجه به اینکه آن زمان دانشکده طب سنتی برای تحصیل پزشکان وجود نداشت و به‌مرورزمان در سال‌های اخیر این رشته در دانشگاه اضافه شد، دانشکده‌های طب سنتی هم فعالیت پیدا کردند و فارغ‌التحصیلان پزشکی عمومی می‌توانستند وارد این رشته شوند. من به‌طور عملی این کار را آموختم. یعنی در زمان فارغ‌التحصیلی این شرایط فراهم نبود؛ به همین دلیل سعی کردم به‌طور عملی و تجربی این کار را در کنار افراد باتجربه در عطاری‌ها بیاموزم و در مکان‌های متفاوت در این زمینه آموزش ببینم و پیگیر کسب اطلاعات جدید در حوزه طب سنتی بودم.»

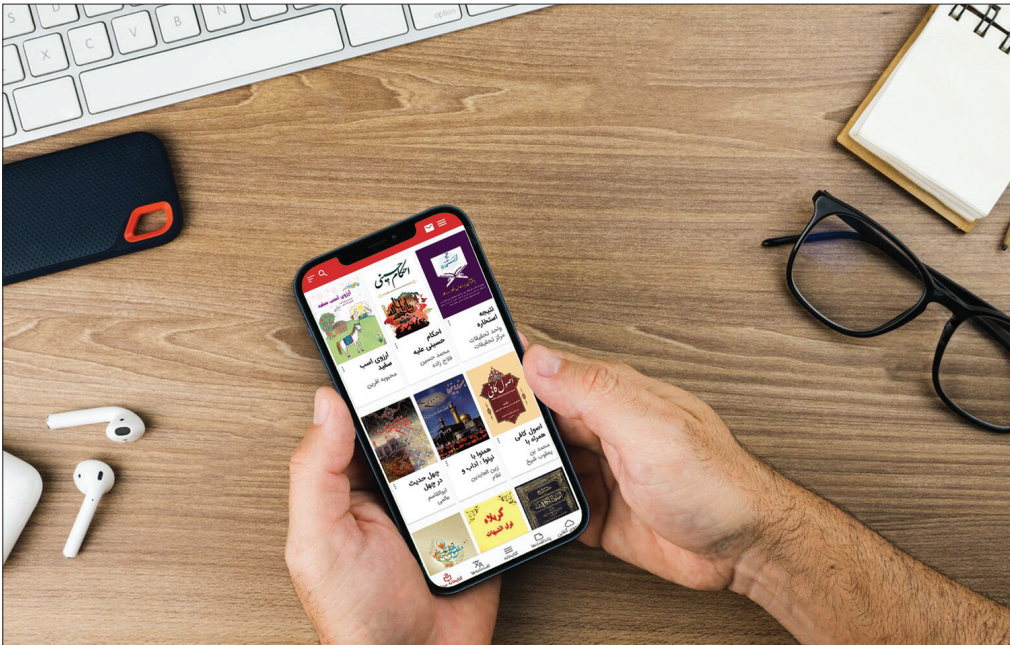
این پزشک فعال طب سنتی ادامه می‌دهد: «بنده با مطالعه کتاب‌های بزرگان طب سنتی، شیخ رازی و شیخ بوعلی سینا، در طول سالیان متوالی تلاش کردم به‌طور عملی این کار را یاد بگیرم و کسب تجربه انجام دهم. به روش سنتی، با روش تغذیه و اصلاح سبک زندگی و



زهره سادات طالقانی

# قصه یک خیریه دیجیتالی

گزارشی از موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان که مسیر متفاوتی را طی کرده است



در روزگاری که بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و خیریه همچنان درگیر دیوارهای کاغذ، قفسه‌ها و کمک‌های معیشتی سنتی‌اند، مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان مسیر متفاوتی را برگزیده است؛ مسیری که از دل یک حرکت مردمی آغاز شد و امروز به یکی از گسترده‌ترین پروژه‌های نشر دیجیتال معارف اهل بیت علیهم السلام در جهان تبدیل شده است.

مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان با تمرکز بر فضای مجازی و فناوری‌های نوین، الگویی تازه از «خیریه فرهنگی دیجیتال» ارائه کرده؛ الگویی که به جای توزیع صرف کمک‌های مادی، دانایی را به صورت رایگان (new.ghbook.ir) و فراگیر در اختیار مخاطبان جهانی قرار می‌دهد.

## از یک ایده مردمی تا کتابخانه‌ای جهانی

حسین غزالی اصفهانی، مدیر محتوا و مسئول روابط عمومی مؤسسه، در گفت‌وگو با «هم‌محل» از سال‌هایی سخن می‌گوید که ایده «خیریه در فضای مجازی» برای بسیاری ناآشنا بود.

او می‌گوید: «از ابتدا می‌دانستیم آینده فرهنگ در بستر دیجیتال رقم می‌خورد. اگر قرار است معارف اهل بیت علیهم السلام جهانی شود، باید در دسترس‌ترین و کم‌هزینه‌ترین بستر را انتخاب کنیم.» مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان به‌عنوان نخستین کتابخانه دیجیتال مبتنی بر تلفن همراه در ایران شناخته می‌شود؛ مجموعه‌ای که تمامی آثار خود را به صورت کامل رایگان منتشر می‌کند. امروز بیش از ۲۴ هزار جلد کتاب در هشت زبان زنده دنیا در این سامانه بارگذاری شده و کاربران از سراسر جهان به‌طور رایگان به آن دسترسی دارند.

غزالی با اشاره به گستره فعالیت‌ها توضیح می‌دهد: «تا امروز بیش از ۱۳ میلیون و ۵۱۰ هزار صفحه در قالب ۲۰ هزار و ۸۲۳ عنوان کتاب تایپ، ویرایش، اعراب‌گذاری و کدگذاری شده و در وبسایت و برنام‌های مؤسسه در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.»

## آمار فراتر از مرزها

آمار دناودها نشان می‌دهد این حرکت مردمی تا چه اندازه فراتر از جغرافیا رفته است. از سال ۱۳۹۷ تا بهمن ۱۴۰۴، بیش از ۱۰۵ میلیون و ۵۴۱ هزار جلد کتاب از ۲۰۰ کشور و بیش از ۲۲ هزار شهر جهان دانلود شده؛ ارقامی چشمگیر برای یک مجموعه غیرانتفاعی و مردمی.

در همین راستا، حضور مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان در دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان) و مشارکت فعال در بزرگ‌ترین رویداد هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال کشور، بازتابی از نقش جدی این مجموعه در زیست‌بوم علمی و

فناوری کشور بود.

## خیریه‌ای با مدل اقتصادی نوین

یکی از وجوه تمایز مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، مدل تأمین مالی آن است. فعالیت‌های مؤسسه کاملاً مردمی بوده و از محل کمک‌های نقدی و غیرنقدی، نذورات، وقف ملک و ساختمان، اختصاص ثلث اموال و سهم مبارک امام علیه السلام تأمین می‌شود.

باین حال، آنچه بازار کتاب قائمیه را به الگویی نو در حوزه خیریه دیجیتال تبدیل کرده، پیوند میان کار فرهنگی و توانمندسازی اقتصادی است.

غزالی در این باره می‌گوید: «با برخی خیریه‌ها قرارداد داریم و به جای کمک‌های مقطعی معیشتی، برای افراد تحت پوشش، کار فرهنگی درآمدزا تعریف می‌کنیم. متن‌های اسکن شده کتاب‌ها در اختیارشان قرار می‌گیرد، آن‌ها اصلاح می‌کنند و خیریه به‌ازای هر صفحه، حق‌الزحمه پرداخت می‌کند.»

این مدل، هم‌زمان چند هدف را محقق می‌کند: ایجاد اشتغال خانگی، ارتقای سطح فرهنگی و مشارکت فعال در نشر دیجیتال آثار مکتوب دینی.

به گفته غزالی، افزون بر این، گروهی از دانشجویان، طلاب و محققان نیز به صورت افتخاری با مؤسسه همکاری دارند.

## پلتفرمی فراتر از یک کتابخانه

مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان تنها یک آرشیو کتاب نیست؛ بلکه بستری پژوهشی محسوب می‌شود. در نسخه اندروید این کتابخانه، بیش از ۱۱۰ امکان پژوهشی پیش‌بینی شده و حتی بیش از ۷۰۰ هزار جلد کتاب (چاپی، خطی، سنگی و سربی) دیگر هم در دست اقدام است که

بسیاری از نیازهای محققان را بدون استفاده از رایانه برطرف می‌کند.

نمایش هم‌زمان تصویر صفحه چاپی کتاب در کنار متن دیجیتال، امکان جمع‌بندی ۱۱۰ جلد کتاب در یک فرمت واحد و دسترسی به مجموعه‌هایی چون «بحار الانوار» همراه با ترجمه، از جمله قابلیت‌های شاخص این پلتفرم است. حتی نسخه‌های خطی دیجیتال شده نیز در این کتابخانه دیجیتال در دسترس قرار دارند.

## هشت زبان، یک پیام

فعالیت مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان به زبان فارسی محدود نمانده و تاکنون آثار آن به زبان‌های عربی، انگلیسی، چینی، اندونزیایی، آذری، اردو و فرانسوی نیز منتشر شده است.

زیرساخت فنی برای توسعه زبان‌های بیشتر نیز فراهم شده و هر کتاب در بیش از هشت فرمت جهانی ارائه می‌شود تا هیچ کاربری به دلیل محدودیت فنی از دسترسی محروم نماند. غزالی می‌گوید: «هدف ما رساندن معارف اهل بیت علیهم السلام به همه دنیاست. وقتی می‌بینیم کاربران از شرق آسیا تا اروپا کتاب‌ها را دانلود می‌کنند، مطمئن می‌شویم مسیر درستی را انتخاب کرده‌ایم.»

## از انیمیشن تا آموزش مجازی

فعالیت‌های مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان تنها به نشر کتاب محدود نمی‌شود. چاپ و نشر کتاب و ماهنامه، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی، تولید نمایشگاه‌های مجازی سه‌بعدی، انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای، طراحی سامانه‌های رسانه‌ای و پاسخ‌گویی به پرسش‌های شرعی و اعتقادی و برگزاری دوره‌های آموزشی مجازی، بخشی از این گستره متنوع است.

## دعوت به مشارکت در یک حرکت جهانی

با وجود توسعه فعالیت‌ها، تأمین زیرساخت‌های فنی همچنان یکی از چالش‌های مؤسسه است. غزالی می‌گوید: «برای تأمین سرور، تجهیزات پردازشی و هارد، به حمایت خیران نیاز داریم. هر توسعه فنی، به معنای افزایش سرعت و کیفیت خدمت‌رسانی به کاربران سراسر جهان است.»

او در پایان تأکید می‌کند: «این مؤسسه یک پروژه صرفاً سازمانی نیست؛ بلکه حرکتی مردمی است که با مشارکت نیکوکاران ادامه پیدا می‌کند.»

روایت مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، روایت پیوند ایمان، فناوری و مشارکت مردمی است؛ الگویی نو از خیریه‌ای که به جای توزیع کمک‌های موقت، دانایی را رایگان در اختیار جهان قرار می‌دهد. شاید کتابخانه‌ای که امروز در تلفن همراه میلیون‌ها کاربر از فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف جا گرفته، ماندگارترین شکل خدمت فرهنگی در عصر دیجیتال باشد.

زمانی نیاز این بود که مردم ایران و به‌خصوص خیران شهر اصفهان برای مسجدسازی، بیمارستان‌سازی و مسجدسازی همه پای کار بیایند؛ ولی الان باید همه پای کار تولید و حمایت از محتوای فرهنگی در فضای مجازی بیایند تا این فضای مجازی را برای فرزندانمان پاک نگه داریم.

الان فرقه‌های مختلف با میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری در انواع پلتفرم‌ها و هوش مصنوعی برای نوجوانان و جوانان خوراک فکری آماده می‌کنند تا اعتقادات و فرهنگ آنان را تغییر دهند؛ بنابراین رسالت همه ما سنگین‌تر است و باید همه پای کار بیاییم و از تولید محتوای جذاب و تأثیرگذار و پاک در فضای مجازی حمایت و یاری کنیم.



مریم نقیان

# مسجدی که دوباره نفس می‌کشد

روایت احیای پایگاه بسیج و کانون فرهنگی حضرت صاحب‌الزمان (عج) در بابلدشت اصفهان



تا همین چندسال پیش، مسجد حضرت صاحب‌الزمان(عج) در محله بابلدشت اصفهان، بیشتر شبیه ساختمانی خاموش بود تا یک مرکز اجتماعی زنده. رفت‌وآمد کم، برنامه‌های محدود و نبود یک جریان مستمر فرهنگی، این مسجد را به فضایی نیمه راکت تبدیل کرده بود. اما امروز، به گفته اهالی محل، این مسجد به یکی از پویاترین نقاط محله بدل شده است؛ جایی که از برنامه‌های مذهبی و فرهنگی تا فعالیت‌های جهادی و خیریه، همه در آن جریان دارد. احیای این فضا، نتیجه یک کار تدریجی، محله‌محور و مبتنی بر اعتماد مردمی است.

## شروع یک تغییر آرام

احسان عرب، فرمانده پایگاه بسیج حضرت صاحب‌الزمان(عج) و مسئول کانون فرهنگی مسجد، از نقطه آغاز این تحول می‌گوید: «حدود سه سال پیش، پایگاه عملاً در وضعیت رکود قرار داشت. سال گذشته، با واگذاری رسمی پایگاه از سوی حوزه هشت، مسئولیت به ما سپرده شد و تصمیم گرفتیم با کمک نیروهای محله و دوستانی که سال‌ها روی آن‌ها کار فرهنگی شده بود، پایگاه را از نو سامان بدهیم.»

به گفته او، نخستین اقدام، تشکیل شورای پایگاه بود؛ شورایی متشکل از نیروهای جوان و فعال که هرکدام مسئولیت مشخصی بر عهده گرفتند. هم‌زمان، کانون فرهنگی مسجد که از سال ۱۳۹۱ تأسیس شده؛ اما مدتی طولانی غیرفعال بود، دوباره راه‌اندازی شد تا امور فرهنگی مسجد در یک چارچوب منسجم پیگیری شود.

## مسجد بدون هیئت نمی‌ماند

یکی از خلأهای اصلی مسجد، نداشتن هیئت مذهبی ثابت بود. عرب در این باره توضیح می‌دهد: «مسجد هیئت مستقر نداشت. ما هیئت روضه‌الحسین(ع) را دعوت کردیم و حدود یک سال است که به‌صورت ثابت در مسجد فعالیت می‌کنند.»

این هیئت، برنامه‌های منظم هفتگی و مناسبتی دارد؛ از جلسات زیارت عاشورا، قرائت قرآن و ادعیه گرفته تا سخنرانی و مداحی در ایام محرم، صفر، فاطمیه و اعیاد مذهبی.

حضور این هیئت، دامنه مخاطبان مسجد را فراتر از محله برده است. به گفته مسئولان مسجد، امروز علاوه بر اهالی بابلدشت، مستمعانی از دیگر نقاط اصفهان نیز در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند.

## خیریه‌ای برای همین محله

در کنار هیئت، یک خیریه محلی نیز

مغرب پیش‌بینی شده و شب‌ها نیز جلسات مناجات‌خوانی برگزار می‌شود. جشن ولادت امام حسن مجتبی(ع)، برنامه‌های لیالی قدر، مراسم عید فطر و افطاری‌های مردمی با عنوان «همان امام حسن(ع)» از دیگر برنامه‌های این ماه است.

در طول سال نیز کلاس‌ها و کارگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های اردویی، فعالیت‌های خیریه و برنامه‌های کانون رضوی و پایگاه بسیج، به‌صورت مستمر اجرا می‌شود.

## کمبود امکانات؛ چالش همیشگی

با وجود این پویایی، مسجد و پایگاه همچنان با کمبود امکانات روبه‌رو هستند.

عرب می‌گوید: «برای تأمین امکانات، به شهرداری منطقه، حوزه مقاومت، امور مساجد و سازمان تبلیغات مراجعه کردیم؛ اما اغلب با پاسخ کمبود بودجه مواجه شدیم؛ حتی برای نوسازی قرآن‌های مسجد.»

او تأکید می‌کند که این کمبودها، سرعت توسعه فعالیت‌ها را کاهش داده، اما مانع ادامه مسیر نشده است.

## مسجد؛ قلب تپنده محله

آنچه امروز در مسجد حضرت صاحب‌الزمان(عج) دیده می‌شود، فراتر از یک پایگاه بسیج یا یک مکان عبادی است. این مسجد، به تدریج در حال تبدیل شدن به قلب تپنده محله بابلدشت است؛ جایی برای عبادت، آموزش، همدلی و خدمت.

روایتی که نشان می‌دهد احیای محله گاهی از یک مسجد شروع می‌شود؛ اگر به مردم اعتماد کنند و به جوان‌ها میدان داده شود.

خدمت‌رسانی مسجد را تشکیل می‌دهد.

## از مسجد نیمه‌راکد تا پایگاه محله

مسجد حضرت صاحب‌الزمان(عج) در خیابان مدرس قدیم، محدوده بابلدشت و حوالی خیابان استاد رضا عباسی قرار دارد؛ منطقه‌ای که به گفته اهالی، سال‌ها از کم‌تحرکی این مسجد رنج می‌برد.

فرمانده پایگاه با اشاره به این تغییر می‌گوید: «خود مسجد تقریباً نیمه‌راکد بود. با ورود نیروهای جوان، ایده‌های تازه و استقرار هیئت، فضا کاملاً تغییر کرد. امروز، به گفته خود مردم محل، مسجد پویا، سرزنده و زنده شده است.»

## برنامه‌ریزی تقویم‌محور

فعالیت‌های مسجد و پایگاه، محدود به مناسبت‌های مقطعی نیست. عرب توضیح می‌دهد که برنامه‌ها به‌صورت ماهانه و تقویم‌محور طراحی می‌شوند. برای ماه مبارک رمضان، برنامه «هر روز یک جزء قرآن» از ساعت ۵ عصر تا نماز

فعالیت می‌کند؛ خیریه‌ای که تمرکز اصلی آن بر کمک‌رسانی به نیازمندان همین محله است.

عرب می‌گوید: «این خیریه پیش‌تر هم فعال بود؛ اما حالا فعالیت‌هایش متمرکز شده روی بابلدشت و تمام برنامه‌ها در همین مسجد و پایگاه انجام می‌شود. این تمرکز محله‌ای، باعث شده کمک‌ها هدفمندتر و اعتماد مردم بیشتر شود؛ موضوعی که در موفقیت بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی مسجد نقش داشته است.»

## حضور خادمان رضوی در باب‌الدشت

یکی دیگر از ظرفیت‌هایی که به مسجد افزوده شده، استقرار «کانون خدمت رضوی» است. این کانون، با دعوت مجموعه مسجد و هیئت، فعالیت خود را در این مکان آغاز کرده و در حوزه جذب خادم، خادم‌یار و یاور رضوی فعالیت دارد.

خدمات این کانون، به نیت امام‌رضا(ع) و در طول سال انجام می‌شود و به گفته عرب، بخشی از شبکه گسترده





مریم نقیان

# پناهگاه اجتماعی یک محله

گفت و گو با سید محمدرضا هاشم زاده، امام جماعت مسجد صاحب الزمان (عج) درباره کارکردها و چالش های مسجد



مسجد هنوز هم در یافت های قدیمی شهر، فقط محل اقامه نماز نیست؛ قلب تپنده محله است. جایی برای گفت و گو، همدلی، حل اختلاف، فعالیت فرهنگی و گاهی آخرین پناه مردم در روزگار سخت. در محله بابلدشت اصفهان، مسجدی قرار دارد که چندین سال از عمر آن می‌گذرد و همچنان تلاش می‌کند این نقش تاریخی را حفظ کند؛ مسجد صاحب الزمان (عج). این مسجد در چهارراه بابلدشت و ابتدای خیابان عباسی واقع شده است؛ مسجدی که به گفته امام جماعت آن، نه تنها بخشی از هویت محله، بلکه بخشی از حافظه تاریخی مردم این منطقه به شمار می‌آید. حجت الاسلام سید محمدرضا هاشم زاده، امام جماعت مسجد صاحب الزمان (عج)، بیش از چهار دهه است که با این مسجد و مردمش زندگی کرده. او متولد سال ۱۳۳۹ است و از سال های ۵۴ و ۵۵ وارد حوزه علمیه شده. تحصیلات حوزوی خود را در اصفهان و قم، حتی در سطح خارج، ادامه داده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی بهره برده است.

هاشم زاده علاوه بر فعالیت های حوزوی، سابقه تدریس در حوزه و دانشگاه، تألیف حدود ۵۰ جلد کتاب (که ۱۰ تا ۱۵ عنوان آن به چاپ رسیده) و سال ها حضور مستمر در عرصه آموزش و فرهنگ را در کارنامه خود دارد. او نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ سال است که در حوزه علمیه فعالیت می‌کند و حدود ۴۰ سال به طور مستقیم در این مسجد حضور دارد.

## مسجدی ریشه دار با سابقه ای بیش از یک قرن

به گفته امام جماعت مسجد، سابقه مسجد صاحب الزمان (عج) به بیش از ۵۰ سال پیش بازمی‌گردد؛ مسجدی که پیش از انقلاب نیز فعال بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به یکی از پایگاه های مهم فرهنگی، مذهبی و انقلابی محله تبدیل شده است. این مسجد بیش از ۱۰۰ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده و چهره های شناخته شده ای در سال های مختلف در آن نقش آفرینی داشته اند؛ از فرهنگیان و مدیران آموزش و پرورش گرفته تا فعالان هیئتی و بسیجی.

## سه وعده نماز جماعت و فعالیت مستمر

امروز مسجد صاحب الزمان (عج) یکی از معدود مساجد محله است که سه وعده نماز جماعت در آن اقامه می‌شود؛ نماز صبح با امامت حجت الاسلام غزالی، نماز ظهر با امامت

ندارد؛ اما به گفته هاشم زاده، در موارد اورژانسی و با جمع آوری صدقات، به نیازمندان و مستمندان محله کمک می‌شود. مسجد همچنین در حل اختلافات خانوادگی و محلی نقش میانجی گرانه ایفا می‌کند؛ نقشی که همچنان از اعتماد مردم به این نهاد مذهبی حکایت دارد.

## چالش اصلی؛ بودجه و اوقاف

اما پشت این فعالیت ها، مشکلات جدی نهفته است؛ مهم ترین آن ها بحران بودجه، مسجد صاحب الزمان (عج) دارای چهار باب مغازه اوقافی دوطبقه است؛ مغازه هایی که به گفته امام جماعت، اگر به درستی مدیریت می‌شدند، می‌توانستند ماهانه ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان برای مسجد درآمد داشته باشند.

با این حال، طبق قراردادهای قدیمی و مدیریت اوقاف، مجموع دریافتی مسجد از این مغازه ها کمتر از یک میلیون تومان در ماه است؛ آن هم با تأخیرهای چندماهه، نامه نگاری های فرسایشی و کسر حدود ۲۰ درصد توسط اوقاف. هاشم زاده با گلایه می‌گوید: «با این وضعیت، مسجد حتی توان استخدام یک خادم را ندارد. ایاب و ذهاب روحانیون هم اغلب به صورت فی سبیل الله انجام می‌شود.»

به گفته امام جماعت مسجد، همکاری نهادهایی مانند امور مساجد، اوقاف و حتی برخی دستگاه های فرهنگی، بیشتر اداری و حداقلی

حجت الاسلام هاشم زاده و نماز مغرب و عشا با امامت حجت الاسلام امینی. مسجد حدود ۸۰۰ مترمربع فضا دارد و در مناسبت های مختلف، ظرفیت آن به طور کامل تکمیل می‌شود؛ به گونه ای که علاوه بر شبستان اصلی، فضای هیئت نیز مملو از جمعیت می‌شود.

## پایگاه فرهنگی، بسیج و هیئت؛ تلاش برای جذب جوانان

یکی از ویژگی های مسجد صاحب الزمان (عج)، حضور فعال پایگاه بسیج و هیئت مذهبی در کنار برنامه های مسجدی است. به گفته امام جماعت، با حضور فرمانده جدید بسیج، فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مسجد رونق بیشتری گرفته و تلاش شده جوانان بیشتری جذب مسجد شوند. برگزاری جلسات سخنرانی در مناسبت های مذهبی و انقلابی، برنامه های قرآنی به ویژه در ماه مبارک رمضان (قرائت روزانه قرآن و ختم سی جزء برای خواهران و برادران)، مشاوره خانوادگی، حل اختلافات محلی و حتی حضور پزشک عمومی برای ویزیت دوره ای مردم از جمله فعالیت هایی است که در حد توان مسجد انجام می‌شود.

## مسجد صاحب الزمان (عج)؛ پناهگاه اجتماعی محله

هرچند مسجد صاحب الزمان (عج) خیریه رسمی

است. در حالی که مساجد در تمام مقاطع انقلاب پای کار بوده اند، حمایت مالی و عملی متناسبی دریافت نکرده اند. او با مقایسه وضعیت ایران با برخی کشورهای اسلامی مانند ترکیه می‌گوید: «در بسیاری از کشورها، بودجه مشخصی برای مساجد در نظر گرفته شده؛ اما در اینجا، مساجد باید با حداقل امکانات، بار سنگین فرهنگی و اجتماعی را به دوش بکشند.»

از نگاه حجت الاسلام هاشم زاده، مسجد تراز انقلاب اسلامی باید به روز، مردمی، انقلابی و پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشد؛ مسجدی که بتواند جوانان را جذب کند، مسائل روز را مطرح کند و تنها به اقامه نماز محدود نشود. او تأکید می‌کند: «جذب جوان فقط وظیفه روحانی نیست؛ همه ارکان مسجد، هیئت، بسیج و مردم محل باید پای کار باشند.»

## سنگری که هنوز ایستاده است

با همه این چالش ها، مسجد صاحب الزمان (عج) بابلدشت همچنان ایستاده است؛ مسجدی که نماز در آن اقامه می‌شود، جوانان در آن رفت و آمد دارند، مشکلات مردم در آن شنیده می‌شود و چراغش، هرچند کم سو، اما خاموش نشده است. مسجدی که اگر حمایت شود، می‌تواند دوباره به همان قلب تپنده محله تبدیل شود؛ نه فقط برای عبادت، که برای زندگی.





مهناز احمدی

# اعتقاد دارم روزی رسان تنها خداست

گفت و گو با احمد صدیقی هنرمند قلمزن اهل بابلدشت



احمد صدیقی، هنرمند قلمزن زبردست ۷۴ ساله ساکن محله بابلدشت اصفهان است، کسی که آثار قلمزنی او در گوشه‌کنار دنیا در موزه‌ها و هتل‌های مجلل به چشم می‌خورد. او هنر قلمزنی را از ۱۳ سالگی آغاز کرد و در حال حاضر ۶۲ سال است که در همین حرفه کار می‌کند و به گفته خودش هنوز هم سعی دارد در تولید آثار خود خلاقیت به خرج دهد و شبیه به هیچ‌کس کار نکند.

## روای انواع فلزات قلمزنی کرده‌ام

این هنرمند ارزنده طی گفت‌وگو با روزنامه اصفهان زیبا، ضمن بیان اینکه همیشه و در هر جا حضور خداوند را در کنارش احساس کرده است، گفت: ورود من به وادی هنر خواست خودم و یاری پروردگار بود و با تمام وجود اعتقاد دارم روزی رسان تنها خداست و شاه مطلق اوست و این مهم را در جای جای زندگی‌ام احساس کرده‌ام.

صدیقی ادامه داد: اگر انسان تلاش کند و توکلش تنها به خدا باشد، کسادی بازار برایش رخ نمی‌دهد؛ چنان‌که محصولات قلمزنی من از دیرباز تاکنون هرگز بدون مشتری نبوده است و همیشه تولیداتم طرف‌داران زیادی دارند.

او با اشاره به اینکه کار قلمزنی عشق، دقت و حوصله زیادی می‌طلبد، اذعان کرد: من روی همه نوع فلز قلمزنی کرده‌ام؛ حتی در گذشته که دستگاه‌های امروزی نبود، به درخواست کارخانه ذوب‌آهن روی ورق‌های بزرگ، جمله‌های هشداردهنده برای نصب روی ماشین‌های سنگین، قلمزنی می‌کردم؛ یا اینکه روی گلدان دوونیم‌متری سنگی قلمزنی کردم که هر گلدان حدود ۸۰ کیلوگرم وزن داشت.

## بی‌رغبتی جوانان به آموختن هنرهای دستی

هنرمند قلمزن اصفهانی که به‌واقع یکی از هنرمندان بی‌نظیر و باعث افتخار شهر اصفهان است، با اشاره به اینکه در گذشته میدان برای هنرمندان و کسب

روزی از هنر آسان‌تر از اکنون بود، عنوان کرد: من در جوانی ۱۲ نفر هنرآموز داشتم و هرکدام بعدها توانستند کاروکاسی خودشان را راه بیندازند؛ اما در حال حاضر جوانان به علت سختی هنر قلمزنی و درآمد اندک آن، دلشان نمی‌خواهد به سمت این هنر بیایند و ترجیح می‌دهند حرفه‌ای آسان‌تر با درآمد بیشتر داشته باشند.

صدیقی ضمن بیان اینکه روی انواع فلزات قلمزنی کرده است، اظهار کرد: بنا بر عقیده شخصی خودم روی نقره قلمزنی نمی‌کنم و اغلب محصولات تولیدی من قلمزنی روی برنج و مس است؛ با طرح‌های گل‌وپتبه، لیلی و مجنون، شکارگاه و ایلیاد. بیشتر روی آینه و شمعدان کار می‌کنم و مشتریان زیادی هم دارم.

## قلمزنی؛ هنری پرزحمت و کم‌درآمد

او افزود: هنرمندان قلمزن هرکدام از یک روش برای قلمزنی استفاده می‌کنند

## هر کاری باید به دست کاردان آن باشد

او ضمن اشاره به اینکه انجام هر کاری باید به دست کاردان آن باشد، توضیح داد: مسئولان در هر حوزه‌ای باید خودشان متخصص باشند تا بتوانند خوب مدیریت کنند؛ اما متأسفانه در حوزه هنرهای دستی در گذشته کسانی مسئولیت داشتند که از جزئیات برخی هنرها مانند قلمزنی آگاه نبودند و تصمیم‌هایی اتخاذ کردند که به ضرر هنرمندان و تولیدکنندگان تمام شد.

این هنرمند قلمزنی، ضمن ابراز ناخرسندی از عدم صادرات هنرهای دستی به سایر کشورها گفت: یکی از مهم‌ترین دلایل برای کسادی بازار هنرهای دستی نبودن صادرات است؛ زیرا مردم آن‌قدر گرفتار مشکلات معیشتی هستند که واقعا نمی‌توانند برای خرید محصولات دستی اقدام کنند و همه امید هنرمندان به فروش محصولاتشان از طریق صادرات بود که آن‌هم اخیرا انجام نمی‌شود و ممنوعیت دارد.

برخی برجسته‌کار هستند؛ مانند کسانی که ضریح امام‌رضاع (ع) را قلمزنی کرده‌اند؛ عده‌ای هم ریزه‌کار، بعضی درشت‌کار و من اغلب متوسط‌کار هستم؛ یعنی طرح‌هایی که کنده‌کاری می‌کنم و قلم می‌زنم، متوسط هستند. همیشه تمام تلاشم بر این است که کار تولیدی من شبیه هنرمند دیگری نباشد و خلاقیت موجود در آن، ایده خودم باشد.

هنرمند ۷۴ ساله اصفهانی بیان کرد: من تمام مدت مشغول کار هستم و منتظر سفارش مشتری نمی‌نشینم و با صبر و حوصله آثاری را خلق می‌کنم که مطمئن هستم به‌موقع کسی آن را با عشق و علاقه از من می‌خرد و به‌هیچ‌عنوان ضرر نمی‌کنم. صدیقی با تأکید بر اینکه امروزه کسی کنده‌کاری نمی‌کند، زیرا هنری بسیار پرزحمت و کم‌درآمد است، اظهار کرد: کنده‌کاری روی سنگ هنری بسیار شیرین، اما پرزحمت است که من آن را انجام می‌دهم؛ اما برای بسیاری انجام آن به‌صرفه نیست.





مهناز احمدی

# گوهرشناسان اندک اند

گفت و گو با محسن اشراقی گوهرتراش و خوشنویس

بقیه موارد است، توضیح داد: معمولاً افراد باید از لحاظ تأمین نیازهای اولیه و حیاتی تأمین باشند تا بتوانند به رفع بقیه نیازهای خود بپردازند؛ اما متأسفانه افزایش بی‌سابقه قیمت دلار اجازه نمی‌دهد که مردم بتوانند آثار هنری خریداری کنند؛ چراکه قیمت این محصولات هم به علت گرانی مواد اولیه برای تولید، روزبه‌روز در حال افزایش است.

اشراقی که صاحب دفتر کار در انتهای بازار قیصریه در میدان نقش جهان است، گفت: زمانی که اقتصاد هر کشوری با مشکل و موانع مواجه می‌شود، بیشترین ضرر متوجه هنرمندان می‌شود؛ زیرا مردم برای خرید محصولات هنری و تزئینی اجبار و الزامی نمی‌بینند و در شرایط سخت به فکر تأمین مایحتاج حیاتی خود هستند و از طرفی، گرانی ابزارآلات و سنگ‌های قیمتی که بخشی از آن‌ها از خارج کشور و به قیمت دلار روز وارد می‌شود، باعث گرانی محصول نهایی می‌شود و کمتر کسی توان خرید آن را پیدا می‌کند.

## بابلدشت

### محله‌ای قدیمی، امن و بومی

این هنرمند جوان که سال‌های متمادی یکی از مجریان اصلی طرح پیشگیری از نوزادان هموفیلی در کشور بوده، با اشاره به اینکه در هر زمینه‌ای که زمانی احساس کرده می‌تواند به مردم خدمت کند، فعالیت داشته است، افزود: در حوزه خبرنگاری نیز مدتی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و هنری فعالیت داشته‌ام و اکنون ترجیح می‌دهم اغلب اوقات خود را در دفتر کارم مشغول خوش‌نویسی، جواهرشناسی و گوهرتراشی باشم و به علاقه‌مندان در این وادی کمک کنم.

او بابلدشت را محله‌ای قدیمی، امن و بومی برشمرد و گفت: این محله تغییر چندانی به جز افزایش بی‌رویه جمعیت و شلوغی از گذشته تاکنون نداشته است. وجود پایانه شاهین‌شهر باعث ایجاد این موضوع شده است.



اشراقی بایان اینکه در حوزه خوش‌نویسی اغلب از خط نستعلیق و شکسته‌نستعلیق استفاده می‌کند، اظهار کرد: در همه حرفه‌های هنری هم مانند دیگر حوزه‌ها وضعیت بازار متأثر از وضعیت اقتصاد جهانی و قیمت دلار است؛ چنانکه در حال حاضر بازار فروش محصولات هنری چه در داخل ایران و چه برای صادرات با مشکلات متعددی مواجه است.

### مردم توان مالی برای خرید محصولات هنری ندارند

عضو انجمن خوش‌نویسان ایران ضمن بیان اینکه وضعیت معیشت مردم در ایران به گونه‌ای است که تأمین کالاهای خوراکی اساسی برای مردم واجب‌تر از

محسن اشراقی، متولد ۱۳۵۲ و ساکن محله بابلدشت اصفهان است. او تحصیلات دوره ابتدایی و متوسطه خود را در همین محله پشت سر گذاشت و سپس وارد دانشگاه، رشته زمین‌شناسی شد و تا مرحله کارشناسی‌ارشد پیش رفت؛ همچنین به موازات آن، رشته علوم اسلامی را نیز در همین مقطع به پایان رساند.

چندی بعد برحسب علاقه خود دوره عالی جواهرشناسی و گوهرشناسی را به صورت تخصصی در سازمان فنی حرفه‌ای سپری کرد و از ۱۳۷۱ شروع به آموزش دوره‌های متعدد خوش‌نویسی تا پایان دوره ممتاز کرد؛ به نحوی که اکنون هر دو هنر گوهرتراشی و خوش‌نویسی را با یکدیگر تلفیق کرده است و حکاکی روی سنگ را به صورت تخصصی برای ارائه به علاقه‌مندان انجام می‌دهد.

### تلفیق هنر خوش‌نویسی و گوهرتراشی

این جواهرشناس و گوهرتراش جوان در گفت‌وگو با «هم‌محله»، ضمن بیان اینکه علاقه، مهم‌ترین انگیزه او برای تحصیل در علوم مختلف بوده است، گفت: در حال حاضر تدریس هنر خوش‌نویسی را به صورت آزاد برای دوستداران این هنر انجام می‌دهم؛ همچنین کار حکاکی روی جواهرات نیز حرفه اصلی من است. اشراقی اذعان کرد: جواهرشناسان و حکاکان حرفه‌ای روی جواهرات در اصفهان به تعداد انگشت‌های یک دست نمی‌رسند؛ اما برای گوهرتراشی افراد زیادی وجود دارند.

او افزود: اهمیت این علم در این است که سنگ اصل را از بدل به خوبی می‌توان تشخیص داد و ما در آزمایشگاه می‌توانیم افرادی را که نیاز به تشخیص سنگ دارند، به خوبی راهنمایی کنیم؛ چراکه همه می‌دانند سنگ‌های مختلف خواص بی‌شمار و منحصر به فردی دارند.

اشراقی حکاکی روی جواهرات را حرفه‌ای شیرین، اما دقیق و حساس برشمرد و عنوان کرد: برای حکاکی باید از سنگ اصل و کمی سخت مانند عقیق استفاده کرد و اینکه قبل از حکاکی، سطح سنگ باید

به خوبی صیقل بخورد تا نتیجه تمیز، زیبا و قابل قبول باشد.

### بازار فروش آثار هنری؛ متأثر از وضعیت اقتصاد جهانی

این استاد جواهرشناس استفاده از دو هنر خوش‌نویسی و گوهرتراشی را در کنار هم برای خلق یک محصول هنری لذت‌بخش دانست و ادامه داد: بیشترین بازار فروش برای این نوع محصول، ایران و کشورهای عربی است و اغلب مردم طرفدار انگشترهایی با سنگ‌های قیمتی و اصل هستند. حکاکی مورد نظرشان را روی نگین انگشتر برایشان انجام می‌دهم. این کار در داخل و خارج کشور طرف‌داران خاص خود را دارد.





زهره قندهاری

# منطقه ۷ کارگاه توسعه شهری است

مدیر منطقه ۷ شهرداری از اقدامات انجام شده در این منطقه و محله بابلدشت می گوید

شهرداری منطقه ۷ با تفکیک منطقه ۳ شهرداری اصفهان به دو منطقه ۳ و ۷ در ۱۳۵۹ تأسیس شد و به دلیل وسعت زیاد و جمعیت روبه رشد در ۱۳۸۷ به دو منطقه ۷ و ۱۴ تفکیک شد. منطقه ۷ شهرداری اصفهان با مساحت ۲۸۵۷ هکتار، از شمال به شهرک ولی عصر، اتوبان فرزنانگان، میدان فرزنانگان؛ از جنوب به میدان شهدا، خیابان مدرس، خیابان آیت الله ادیب؛ از شرق به خیابان بعثت، خیابان آل بویه، خیابان آل یاسین و از غرب به اتوبان کاوه و بزرگراه معلم محدود می شود. مهدی سلطان آقایی، مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان، در دو سال گذشته در این منطقه اقدام هایی انجام داده که در این صفحه به صورت اینفوگرافی روایت شده است.

## اجرای پروژه مهم منطقه ای در دو سال گذشته

- ❖ اجرای فاز اول طرح سامان دهی و احداث مجموعه تفریحی باغ فدک / ۵۰۰ میلیارد تومان
- ❖ تکمیل و بهره برداری از ایستگاه آتش نشانی میدان حج ۱۵۰ میلیارد تومان
- ❖ تکمیل و بهره برداری از ساختمان مدیریت بحران شهر اصفهان / ۵۰ میلیارد تومان
- ❖ اجرای پروژه بزرگ تعریض و سامان دهی پل شهید اسماعیل هنیه / ۵۲ میلیارد تومان
- ❖ آغاز اجرای پروژه احداث خط کلکتور پساب شمال شهر اصفهان با هزینه ۴۵ میلیارد تومان
- ❖ اجرای طرح محله من محله زندگی در سطح محله های منطقه ۷ و اجرای آن در ۹ محله با هزینه ۳۶ میلیارد تومان
- ❖ تغییر نام، سامان دهی و خیابان سازی محله فدکیه و آغاز اجرای عملیات احداث مجتمع مشارکتی فرهنگی، مذهبی و ورزشی بیت الکوثر در این محله با هزینه پنج میلیارد تومان
- ❖ اجرای نهضت پیاده روستازی در معابر اصلی و فرعی منطقه ۷ با هزینه تقریبی ۱۰۰ میلیارد تومان در خیابان های غرضی، آیت الله ادیب، پرستار، مولوی، بهاران، سرچشمه، نخل، حکمت، گل بنفشه ...
- ❖ اجرای نهضت روکش آسفالت در محله ها و معابر اصلی و فرعی منطقه ۷ با هزینه تقریبی ۱۵۰ میلیارد تومان در خیابان های: پوریای ولی، آل یاسین، آل بویه، فلاطوری، اشراق، برازنده، ابوریحان، بهاران، خردمند، شهرک ولی عصر (عج)، شهید احمدی، خیابان معلم، محله فدکیه، سردار کمالی و ...
- ❖ احداث زمین های ورزشی روباز چمن مصنوعی در محله های فدک و شهرک ولی عصر (عج) با هزینه ای بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان
- ❖ آغاز طرح بهینه سازی و توسعه پارک باقوشخانه و احداث بوستان محلی خیابان مولوی با هزینه ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی، اجرای روکش آسفالت، سامان دهی و بهینه سازی خیابان های ۲۲ بهمن و ۱۵ خرداد در جنوب منطقه با هزینه ای بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی، اجرای روکش آسفالت، سامان دهی و بهینه سازی خیابان های فردوس و سعدی در شمال منطقه با هزینه ای بالغ بر ۲۵ میلیارد تومان
- ❖ تقویت روشنایی و افزایش لوکس نوری بوستان ها و مادی های منطقه شامل شهرک میلاد، شهرک ولی عصر (عج)
- ❖ سامان دهی و بهینه سازی ساختمان اداری منطقه ۷ با هدف تکریم ارباب رجوع با هزینه ای بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان

## پروژه مهم منطقه ای در سال آینده

- ❖ پیاده روستازی و اجرای روکش آسفالت خیابان استاد شهریار با اعتباری بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی و اجرای روکش آسفالت خیابان های آزادی و وحدت با اعتباری بالغ بر ۳۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی و روکش آسفالت خیابان ۱۵ خرداد شرقی (حدفاصل بزرگراه چمران و خیابان اشراق جنوبی) با اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان
- ❖ تملک و تفکیک خیابان اطلس در ادامه خیابان پرستار همراه با احداث پارک محلی و پارکینگ روباز با هزینه ای بالغ بر ۳۵ میلیارد تومان
- ❖ خیابان سازی محدوده تفکیکی صفدرزاده با اعتباری بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ تملک و احداث پارک بزرگ محله شهرک ولی عصر (عج)
- ❖ پیاده روستازی خیابان های ساکت، بوعلی، برازنده، فروردین و محدود پل ۲۵ آبان و ... با اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد تومان



زهره فندشاهی

# خانه‌تکانی محله‌های منطقه ۷

معابر و محله‌ها برای نوروز آماده می‌شود

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از آغاز طرح ویژه خانه‌تکانی محله‌ها خبر داد و گفت: پاک‌سازی معابر، رنگ‌آمیزی جداول و نرده‌ها و جمع‌آوری نخاله‌ها با هدف ارتقای منظر شهری، افزایش ایمنی و آماده‌سازی محله‌ها برای نوروز در دستورکار قرار گرفته است. مهدی سلطان‌آقایی اظهار کرد: با نزدیک شدن به ایام نوروز و در راستای ارتقای کیفیت محیط شهری، اقدام‌های گسترده‌ای برای آماده‌سازی محله‌ها و معابر آغاز شده است؛ این اقدام‌ها شامل رنگ‌آمیزی جداول به طول ۸۰ هزار متر و نرده‌ها به مساحت ۱۰ هزار مترمربع پس از شست‌وشو و لکه‌گیری، تحت نظارت کارشناسان برای جلوگیری از فرسودگی زود هنگام و بهینه‌سازی منظر شهری انجام می‌شود. او افزود: پاک‌سازی زمین‌های بایر از نخاله‌ها و زباله‌های شهری نیز در برنامه کاری قرار دارد تا شهروندان و مسافران نوروزی با شهری پاکیزه و زیبا روبه‌رو شوند. مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان با اشاره به آغاز طرح ویژه خانه‌تکانی محله‌ها از بیست‌وینجم بهمن تا بیست‌وهشتم اسفند گفت: این طرح با محوریت پاک‌سازی محله‌ها و معابر منطقه اجرا می‌شود و هدف آن نه تنها بهبود ظاهر شهری، بلکه افزایش ایمنی مسیرهای تردد، کاهش خطرهای ناشی از نخاله‌ها و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است. سلطان‌آقایی خاطرنشان کرد: اجرای این اقدام‌ها به‌ویژه در آستانه نوروز اهمیت دارد؛ زیرا محیط شهری تمیز و ایمن علاوه بر ایجاد رضایت شهروندان، نقش مهمی در استقبال گردشگران و بازدیدکنندگان از شهر ایفا می‌کند. او تأکید کرد: ادارات و واحدهای خدمات شهری منطقه با هماهنگی کامل و بهره‌گیری از تجهیزات مناسب، بر روند کار نظارت مستمر دارند تا رنگ‌آمیزی، شست‌وشو و پاک‌سازی به بهترین شکل و با کیفیت فراوان انجام شود.

## توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در منطقه ۷

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از راه‌اندازی سه نیروگاه خورشیدی با ظرفیت مجموع ۲۵۸ کیلووات در این منطقه خبر داد و گفت: برق تولیدی این نیروگاه‌ها به شبکه توزیع تریپل و با هزینه مصرفی منطقه تهارت می‌شود. سلطان‌آقایی با اشاره به سیاست‌های مدیریت شهری در حوزه بهینه‌سازی مصرف انرژی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر اظهار کرد: در راستای کاهش وابستگی به منابع انرژی فسیلی و حرکت به سمت مدیریت پایدار شهری، سه نیروگاه خورشیدی در مقیاس‌های کوچک، متوسط و بزرگ در سطح منطقه راه‌اندازی شده است.

او افزود: یک نیروگاه کوچک مقیاس با ظرفیت هشت کیلووات بر بام ساختمان شهرداری منطقه نصب شده است که علاوه بر تأمین بخشی از برق مصرفی ساختمان، نقش الگوسازی در استفاده از انرژی‌های نو را ایفا می‌کند.

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان ادامه داد: نیروگاه متوسط مقیاس ۵۰ کیلوواتی نیز روی



سقف پارکینگ مسقف شهرداری احداث شده است که با بهره‌گیری از ظرفیت فضاهای بلااستفاده شهری، برق تولیدی خود را مستقیماً به شبکه توزیع برق تزریق می‌کند. سلطان‌آقایی با اشاره به نیروگاه بزرگ مقیاس این منطقه گفت: یک نیروگاه ۲۰۰ کیلوواتی نیز در محل کمپ گردشگری باغ فدک احداث شده که در آستانه اتصال به شبکه برق قرار دارد و عملیات اجرایی آن در سال جاری به انجام رسیده است.

## افزایش ۷۰ درصدی فضاهای تفریحی باغ فدک در نوروز

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از آماده‌سازی ویژه باغ فدک برای میزبانی از مسافران نوروزی خبر داد و گفت: امسال با افزایش ۷۰ درصدی روشنایی و توسعه فضاهای تفریحی، همچنین بهره‌برداری از فاز سوم دریاچه در اوایل سال آتی، باغ فدک به یک پارک شهری پویا و مجهز تبدیل می‌شود. سلطان‌آقایی با اشاره به اینکه باغ فدک تنها کمپ گردشگری روباز شهر اصفهان است، اظهار کرد: این مجموعه با هدف جذب گردشگران در ایام پیک تعطیلات طراحی شده است و امروز به‌عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری شهر شناخته می‌شود. باغ فدک با وسعت حدود ۸۰ هکتار، هر ساله در نوروز و دیگر فصول میزبان تعداد زیادی از مسافران و شهروندان بوده و به دلیل گستردگی فضا، آماده‌سازی آن نیازمند برنامه‌ریزی گسترده و اجرای عملیات متعدد عمرانی و خدماتی است. او افزود: رسیدگی و نگهداشت مجموعه



گردشگری باغ فدک در تمام ایام سال انجام می‌شود؛ اما در ایام نوروز به‌صورت ویژه برای میزبانی از مسافران نوروزی و گردشگران آماده‌سازی می‌شود و در فصل تابستان نیز تمرکز بر ارائه خدمات مطلوب به شهروندان اصفهانی است. در واقع، حدود یک ماه از سال اقدام‌های ویژه عمرانی و خدماتی برای نوروز در این مجموعه انجام می‌شود و در طول سال نیز باغ در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دارد.

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان با اشاره به ارتقای زیرساخت‌های این مجموعه گفت: در سال جاری میزان روشنایی باغ فدک حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است و مبلمان ویژه این مجموعه نیز هم‌زمان با ایام نوروز رونمایی می‌شود تا محیطی ایمن‌تر و دلپذیرتر برای خانواده‌ها فراهم شود. سلطان‌آقایی با بیان اینکه باغ فدک در حال تبدیل شدن به یک پارک شهری کامل است، تصریح کرد: در ایام نوروز حدود ۷۰ هزار خودرو وارد این مجموعه می‌شود که اگر به‌طور میانگین سرنشینان هر خودرو را چهار نفر در نظر بگیریم، حدود ۲۸۰ هزار نفر از امکانات این باغ استفاده می‌کنند؛ آماري که نشان‌دهنده اهمیت این مجموعه در میزبانی از مسافران است.

او ادامه داد: در سایر ایام سال نیز شهروندان برای استفاده از جاذبه‌های مختلف باغ از جمله شهربازی، رستوران، فست‌فود، پارک بازی کودکان و پارک آموزش ترافیک به این مجموعه مراجعه می‌کنند؛ همچنین یک زمین چمن مصنوعی در مجاورت باغ فدک ایجاد شده که سه مدرسه فوتبال در آن مستقر هستند و آموزش فوتبال با همکاری بخش خصوصی انجام می‌شود. مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان خاطرنشان کرد: برای سال جدید نیز قراردادهایی با پیمانکاران جدید تنظیم خواهد شد تا مباحث مربوط به گردشگری و جذابیت‌های تفریحی داخل باغ توسعه یابد و پیش‌بینی می‌شود فضاهای تفریحی مجموعه نسبت به سال گذشته تا ۷۰ درصد افزایش پیدا کند. سلطان‌آقایی فاز سوم دریاچه باغ فدک را شاخص‌ترین پروژه منطقه ۷ عنوان کرد و گفت: دریاچه باغ فدک به معنای یک ذخیره‌گاه ایستای آب نیست؛ بلکه در این طرح آب به‌صورت پویا در جریان است؛ به‌طوری‌که آب از تصفیه‌خانه وارد دریاچه شده و سپس از آن به سمت کلکتور شهری هدایت می‌شود تا برای آبیاری فضای سبز مورد استفاده قرار گیرد.

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان افزود: منبع این آب می‌تواند از چاه‌ها یا تصفیه‌خانه تأمین شود و آب پس از ورود به دریاچه، مجدد در چرخه مصرف قرار می‌گیرد؛ بنابراین این دریاچه محل راکد ماندن و هدررفت آب نیست؛ بلکه بخشی از چرخه پایدار تأمین آب فضای سبز شهری محسوب می‌شود.

او تأکید کرد: با اجرای این پروژه‌ها، باغ فدک علاوه بر نقش گردشگری، به یک زیرساخت مهم در مدیریت پایدار منابع آب شهری نیز تبدیل خواهد شد و آماده میزبانی شایسته از مسافران نوروزی و شهروندان اصفهانی است.



زهره قندهاری

# بسته های تشویقی برای ساخت و ساز

پاسخ های مهدی سلطان آقایی، مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان به مطالبه های ساکنان محله بابلدشت

اقدام ها، ضمن حفظ هویت محله، ایمنی ساختمان ها افزایش باید و شرایط زندگی برای ساکنان بهتر شود؛ همچنین بسته های تشویقی مفصل و متنوعی برای ساخت و ساز در بافت های فرسوده با امتیازها و شرایط ویژه آماده شده است.

مغازه تخریب شده و بافت خطرناک رها شده در انتهای خیابان مدرس یکی از معضله های است که ساکنان این محله به آن اشاره دارند. برای رفع این مسئله اقدامی در دستور کار است؟

در خصوص مکان های تخریب شده، قانونی برای اجبار کردن مالک به ایمن سازی و دیوارکشی اطراف ملک وجود دارد. اگر گزینه خاصی وجود دارد که مدت هاست بلا تکلیف مانده، شهروندان از طریق تماس با ۱۳۷ یا مراجعه حضوری به اداره خدمات شهری منطقه، آن را اطلاع دهند.

زباله های رها شده در محله، فرم نازیبایی ایجاد کرده است. برای رفع این معضل اقدام هایی انجام می شود؟

رها کردن زباله در برخی نقاط محله موضوعی است که هم بر سیمای شهری تأثیر منفی می گذارد و هم می تواند مشکلات بهداشتی برای ساکنان ایجاد کند. این مسئله مورد توجه مدیریت شهری قرار گرفته و اقدام هایی برای سامان دهی آن در حال اجراست. در این خصوص از همه ساکنان محله بابلدشت خواهشمندیم زباله های خود را در زمان های مشخص شده و از ساعت ۲۱ شب به بعد خارج از منزل بگذارند و حتما درب منزل خود قرار دهند نه سر کوچه ها و کنار تیرهای روشنایی و اگر ماشین حمل زباله به داخل کوچه ها ورود پیدا نکرده است، حتما شهروندان از طریق تماس با ۱۳۷ به شهرداری اطلاع دهند؛ اگر هم در مکانی انباشت زباله وجود دارد، شهروندان عزیز به سامانه ۱۳۷ اطلاع دهند تا در موعد مقرر پیگیری کنیم.



ساکنان از این معضل گلایه دارند. پاسخ شما در این خصوص چیست؟

فرسودگی بافت این محله موضوعی است که هم از نظر ایمنی و هم از نظر کیفیت زندگی شهروندان اهمیت زیادی دارد و گلایه ساکنان در این زمینه قابل درک است. در همین راستا، برنامه هایی برای بهسازی و نوسازی این محدوده در دستور کار قرار گرفته است: نخست، شناسایی و اولویت بندی ساختمان ها و محدوده های فرسوده انجام می شود تا نقاطی که خطر بیشتری دارند، سریع تر تعیین تکلیف شوند؛ دوم، تشویق مالکان به نوسازی با ارائه مشوق های شهری مانند تسهیل در صدور پروانه، تخفیف عوارض و حمایت از تجمیع پلاک ها، تا روند بازسازی سرعت بگیرد؛ سوم، همکاری با دستگاه های مرتبط برای اجرای طرح های بازآفرینی شهری. در این طرح ها علاوه بر نوسازی واحدهای مسکونی، به بهبود معابر، خدمات شهری و سرانه های عمومی نیز توجه می شود؛ چهارم، جلب مشارکت ساکنان محله. تجربه نشان داده است که نوسازی زمانی موفق خواهد بود که با همراهی و اعتماد مردم انجام شود؛ بنابراین جلسه های محله ای و اطلاع رسانی نیز در دستور کار قرار دارد.

هدف این است که با اجرای این

سرانه فضای سبز محله را افزایش دهیم و دسترسی ساکنان به فضای سبز نزدیک محل زندگی شان فراهم شود؛ دوم، توسعه درخت کاری در معابر و خیابان ها؛ کاشت درختان سازگار با اقلیم منطقه و ایجاد نوارهای سبز در حاشیه معابر می تواند تا اندازه زیادی به افزایش طراوت محیط کمک کند؛ سوم، استفاده از فضاهای بلا استفاده شهری مانند زمین های رها شده برای ایجاد بوستان های کوچک محلی یا فضاهای سبز محله ای؛ چهارم، مشارکت شهروندان در طرح های محله محور؛ با اجرای برنامه هایی مانند «هر خانه یک درخت» یا همکاری ساکنان در نگهداری فضاهای سبز، می توان کیفیت محیط را ارتقا داد. هدف ما این است که با مجموعه ای از این اقدام ها، در آینده نزدیک چهره محله را سبزتر و بانشاط تر کنیم و رضایت شهروندان را افزایش دهیم. در حال حاضر به دلیل تراکم فراوان واحدهای مسکونی و عدم وجود زمین هایی با کاربری های غیر مسکونی امکان احداث آن ها وجود ندارد؛ اما آمادگی داریم با همکاری مراکز و بخش های خصوصی موجود در حوزه های ورزشی و تفریحی به توسعه و به روز رسانی آن ها اقدام کنیم.

بافت فرسوده زیاد و تخریب شده در این محله بسیار مشهود است و

محله بابلدشت از محله های منطقه ۷ شهرداری اصفهان است که در دوره ششم مدیریت شهری، اقدام های فرهنگی و عمرانی در آن اجرا شده است. میزان مساحت این محله، ۵۷ هکتار است و سه هزار و ۵۰۰ نفر جمعیت دارد. در این محله، معضله هایی وجود دارد که از سوی ساکنان روایت شده است و مهدی سلطان آقایی، مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان، به آن ها پاسخ می دهد.

ترافیک شدید خیابان مدرس و عباسی یکی از معضله هایی است که ساکنان به آن اشاره کرده اند. در این خصوص راهکاری در دستور کار دارید؟

ترافیک سنگین در خیابان های مدرس و عباسی از جمله مشکل هایی است که بسیاری از ساکنان این محدوده به آن اشاره می کنند. برای کاهش این معضل معمولا مجموعه ای از اقدام های ترافیکی و شهری در دستور کار قرار می گیرد. تغییر مسیر دوطرفه به یک طرفه در خیابان مدرس قدیم اجرا شد؛ همچنین حذف یکی از چراغ های راهنمایی در خیابان ادیب انجام شده و بررسی حذف لاین مسیر دوپرده ها در این محور در دستور کار شهرداری است؛ در ضمن اصلاح هندسی معابر و بازطراحی تقاطع ها، تعریض بخش های گلوگاهی و سامان دهی ورودی و خروجی خیابان ها می تواند جریان تردد را روان تر کند.

کمبود شدید فضای سبز، حس تازگی و سبزی نگاری از محله کاسته است. در این باره چه اقدامی انجام می دهید؟

کمبود فضای سبز یکی از مطالبه های جدی شهروندان این محله است و ما نیز این موضوع را به عنوان یکی از اولویت های مدیریت شهری دنبال می کنیم. در همین راستا، چند اقدام در دستور کار قرار گرفته است: نخست، شناسایی زمین های مناسب برای ایجاد بوستان های محلی تا بتوانیم





زهره قندهاری

# زیروبیم بابلدشت

## معضل های محله بابلدشت به روایت ساکنان

محله بابلدشت از محله های منطقه ۷ شهرداری اصفهان است که در دوره ششم مدیریت شهری، اقدام های فرهنگی و عمرانی در آن اجرا شده است. در این صفحه معضل های محله بابلدشت و مهم ترین اقدام های انجام شده در منطقه ۷ شهرداری اصفهان به صورت اینفوگرافی روایت شده است.

### برخی از معضل های محله بابلدشت در منطقه ۷ شهرداری اصفهان



کمبود المان شهری  
و نماد محله



بافت  
فرسوده



کمبود  
فضای سبز



نبود سالن  
مطالعه مناسب



کمبود  
مجموعه ورزشی



ترافیک شدید خیابان  
مدرس و عباسی



زباله های  
رهاشده در محله



گلوگاه ها  
و معابر تنگ

### مهم ترین اقدام های انجام شده در منطقه ۷ شهرداری اصفهان

- اجرای طرح «محله من، محله زندگی»
- فعال بودن بیش از ۵۰ پروژه در منطقه
- آغاز فاز دوم بازسازی ترمینال بابلدشت
- سامان دهی ترافیکی مقابل پایانه کاوه
- خشک بوی و هرس درختان
- زیرسازی دیوارها
- اجرای روکش آسفالت
- نصب و تعمیر تابلوها
- تجلیل از خانواده های معظم شهیدای شاخص
- سامان دهی پارک ها و فضای سبز

مدیر فنی و گرافیک علیرضا مظاهری  
طراح و صفحه آرا علی نصرآزادانی  
دبیر تحریریه و ویژه نامه زهره سادات کاظمی  
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مهناز احمدی، دلارام قندهاری  
مریم نقیان، زینب دبیری، زهره سادات طالقانی و اکرم کیانی  
ویراستار عذرا دایانی، سارا حقیقی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا  
مدیرمسئول دکتر علی قاسم زاده  
مدیرعامل احسان تیموری سیجانی  
سر دبیر محمد حسین اعترازیان  
دبیر ویژه نامه محسن حیدری فرد  
عکس کوثر رحیمی

